



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

مرکز پژوهش های اتاق ایران

درباره انتخابات ریاست جمهوری

۱. پیشنهادهای بخش خصوصی

(ویرایش اول)



شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان گزارش:

درباره انتخابات ریاست جمهوری
۱. پیشنهادهای بخش خصوصی (ویرایش اول)

مدیریت پژوهش‌های اقتصادی

تهیه‌کنندگان: فرزانه صمدیان، سید سجاد نجفی، الهه سلطانی‌نژاد و پگاه پاشا

ناظران علمی: دکتر محمد قاسمی، منیره امیرخانلو و شیما حاجی نوروزی

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۴۰۰

طبقه‌بندی موضوعی: اقتصاد ایران

واژه‌های کلیدی: انتخابات ریاست جمهوری، رشد اقتصادی، بخش خصوصی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	چکیده
۱۳	مقدمه
۱۳	۱- چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌رو
۱۶	۲- فرصت‌های پیش‌رو
۱۸	۳- اولویت به تولید و رشد اقتصادی سرآغاز تحول
۲۱	۴- راهبردهای موفق برای رشد پایدار و سطح بالا
۲۴	۵- نقش بخش خصوصی در رشد اقتصادی
۲۶	۶- خواسته‌ها و توصیه‌های بخش خصوصی در آستانه انتخابات
۲۶	۶-۱- بایدها در سیاستگذاری اقتصادی
۳۱	۶-۲- نبایدها در حوزه سیاستگذاری اقتصادی
۳۳	۷- کلیات بسته سیاستی پیشنهادی
۳۸	منابع



چکیده

۱. رئیس‌جمهور آینده نیز وارث همه مشکلاتی است که روسای جمهور قبلی قول و وعده حل آن‌ها را داده بودند؛ از بحران آب و محیط زیست گرفته تا کسری بودجه قابل توجه و تورم و بیکاری و فساد، نابرابری و غیره. یک دهه رشد اقتصادی نزدیک به صفر همراه با تورم‌های دورقمی سطح بالا، افزایش بیکاری قشر تحصیل کرده و گسترش نابرابری، زندگی بسیاری از ایرانیان را تحت تأثیر قرار داده است. اگرچه برخی همه این مشکلات را به تحریم‌های اقتصادی ربط می‌دهند اما بسیاری از کارشناسان معتقد هستند که تحریم‌ها، ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران و ناکارآمدی سیاستگذاری اقتصادی در ایران را آشکارتر و مخرب‌تر کرده است. در چنین شرایطی بار دیگر زمینه برای شعارهای عوامگرایانه مبنی بر افزایش یارانه‌های نقدی، طرح‌های اقتصادی خارق‌العاده برای اشتغال‌زایی زیاد در کوتاه‌مدت، افزایش حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران و افشای مفاسد و مقابله انقلابی با مفسدان اقتصادی فراهم است. شعارهایی که بارها و بارها تکرار شده است اما دهه‌هاست که این شعار درمانی‌ها، پول پاشی‌ها و رانت پاشی‌ها نتیجه چندانی نداشته است.

۲. بر مبنای مطالعات کارشناسی متعدد، کشور در دهه آتی با مسائل پیچیده‌تری هم نسبت به قبل روبه‌روست:

- ✓ چشم‌انداز جایگزینی انرژی‌های تجدیدپذیر با سوخت‌های فسیلی در بلندمدت، یک تهدید جدی برای اقتصاد نفتی ایران به شمار می‌آید؛
- ✓ کاهش مفرط سرمایه‌گذاری در کشور در دهه ۹۰ شمسی، ظرفیت رشد تولید را در چند سال آینده محدود کرده است و افزایش شدید نرخ ارز (در شرایطی که اکثر صنایع غیرنفتی ایران به لحاظ تأمین مواد اولیه و فناوری‌های تولید، به واردات وابسته هستند)، جایگزینی تجهیزات سرمایه‌ای و ماشین‌آلات را بسیار دشوار کرده است؛
- ✓ عدم بهره‌گیری کارآمد از نوآوری‌های دانش‌بنیان در تولیدات صنعتی به دلیل تحریم‌ها، موجب شده که فاصله معناداری بین سطح فناوری تولید داخلی با سطح فناوری به‌روز جهانی به وجود آید. این شکاف فناوری به طرز قابل ملاحظه‌ای باعث کاهش بهره‌وری و تنزل قدرت رقابت‌پذیری محصولات صادراتی ایران در بازارهای خارجی و افزایش قیمت تمام شده محصولات برای مردم شده است؛
- ✓ بدهی‌های دولتی، وضعیت نظام بانکی و وضعیت صندوق‌های بیمه بازنشستگی کشور که نسبت به ابتدای دهه ۹۰ نامطلوب‌تر شده است؛
- ✓ گسترش فساد و ناکارآمدی نظام اداری نیز در بیان همه مسئولان مورد تأکید قرار می‌گیرد. این مسئله آسیب‌های جدی به سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم وارد ساخته و این در حالی است که انجام اصلاحات ساختاری برای رفع بسیاری از معضلات فوق نیازمند حمایت‌های مردمی گسترده است.

۳. در کنار چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌رو، اغلب سیاستمداران و کارشناسان بر فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی از قبیل موضوعات زیر برای رفع مشکلات مزبور اشاره می‌کنند:

- ✓ تحولات ساخت قدرت در سطح جهانی، به‌ویژه پیامدهای رقابت میان چین و آمریکا در تحولات زنجیره ارزش اوراسیا، پررنگ شدن نقش چین در خاورمیانه، رقابت در سرمایه‌گذاری در بازارهای آفریقا و مهم‌تر از همه رقابت در صنایع با فناوری بالا می‌تواند به نفع ایران باشد؛
- ✓ کشور این فرصت را دارد که در صورت پیگیری اصلاحات سیاستی معطوف به اقتصاد دانش‌بنیان، از دستاوردهای بالقوه این شیوه تولیدی از قبیل بهبود بهره‌وری، ارتقاء جایگاه در زنجیره ارزش جهانی و افزایش پایداری اقتصادی بهره‌مند شود؛
- ✓ بهره‌گیری از پنجره جمعیتی در آستانه بسته شدن و نیروی انسانی تحصیل کرده، از دیگر فرصت‌های پیش‌رو است؛
- ✓ منابع قابل توجه انرژی، معدنی و غیره هنوز هم حداقل در میان‌مدت جزو مزیت‌های اساسی ایران خواهد بود.

درعین حال همواره این پرسش برای عموم مردم و فعالان اقتصادی مطرح است که چرا تا کنون از این فرصت‌ها نتوانسته‌ایم استفاده کنیم؟

۴. از منظر بخش خصوصی، اولویت اصلی رئیس‌جمهور آینده باید افزایش توان رشد زایی اقتصادی در کشور به شکل پایدار و با ثبات و فراگیر باشد. چنین رشدی است که چهار جریان مهم اقتصادی ایجاد می‌کند: اول) امکان افزایش دستمزدهای حقیقی را می‌دهد که موجب بهبود وضع خانوارها خواهد شد، دوم) امکان افزایش درآمدهای مالیاتی برای دولت را ایجاد می‌کند که خود زمینه خدمات‌رسانی بهتر به مردم و عرضه بیشتر کالاها و خدمات عمومی مانند امنیت و آموزش و بهداشت و درمان را فراهم می‌سازد، سوم) افزایش جریان درآمدی برای صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی که پایداری مالی آنها را بهبود می‌بخشد و رفاه بیشتر بازنشستگان را به دنبال دارد و چهارم) افزایش سود برای فعالان اقتصادی که ضامن افزایش سرمایه‌گذاری برای تداوم رشد است را در پی دارد. بدین ترتیب اگر وضع اقتصادی مردم مناسب نیست، اگر دولت دچار کسری بودجه مزمن است، اگر وضع صندوق‌های بازنشستگی و بازنشستگان نامساعد است و اگر سرمایه‌گذاری افت کرده است، قطعاً یکی از دلایل عمده آن نامناسب بودن وضعیت تولید در کشور است.

۵. بررسی‌های بین‌المللی بیانگر آن است که جمله کشورهایی که موفق به بهبود اساسی وضع اقتصادی و اجتماعی مردم شده‌اند (از جمله چین، کره جنوبی، ترکیه، مالزی و اندونزی)، دولت‌های توسعه‌گرا و کارآمد با به‌کارگیری حداکثری سازوکارهای منطبق با علم اقتصاد و هدایت آن، توانسته‌اند که با مهار تورم و کاهش مخاطرات پیش‌روی سرمایه‌گذاران، ثبات اقتصادی را برقرار کنند، نسبت پس‌انداز به تولید را افزایش دهند و با برقراری ثبات در روابط بین‌المللی، از همه ظرفیت‌های آن به‌ویژه سرمایه‌گذاری و فن‌آوری‌های روز خارجی استفاده کنند، توسعه صادرات را هدف خود قرار داده‌اند و بخش مالی در اقتصاد را در خدمت بخش حقیقی اقتصاد قرار داده‌اند، هم‌زمان با توسعه شهرنشینی، روستاها را بازسازی کرده‌اند و از بهبود توزیع درآمد و مقابله با فقر و حفظ محیط زیست غافل نشده‌اند.

۶. تجربه کشورهای فوق که در ایجاد رشد سطح بالا، پایدار و باثبات موفق بوده‌اند با آنچه در پنج دهه اخیر به اسم حمایت از تولید در ایران انجام شده و در حال انجام است تفاوت‌های اساسی دارد. در ایران دیدگاه مشخصی درباره نقش مطلوب دولت و بخش خصوصی (بازار) وجود ندارند و بعضاً سیاستگذاران یا بخش خصوصی را رقیبی برای دولت می‌دانند یا تصور می‌کنند که نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند جایگزین بخش خصوصی شوند. فقدان یک چارچوب شفاف و سازگار سیاستگذاری که مبتنی بر علم اقتصاد و مورد اجماع سیاستگذاران کشور باشد، منجر به شکل‌گیری سیاستگذاری اقتصادی بر مبنای آزمون و خطا و توزیع رانت انرژی، آب و حمایت‌های ناکارآمد تعرفه‌ای و مالیاتی شده است. ثبات اقتصادی، هم به دلیل تنش در روابط بین‌المللی و هم سیاست‌های عوامانه‌ای که نگاه اصلی ایشان به صندوق‌های رأی است به بوته فراموشی سپرده شده است. در فرایند حمایت‌های اینچنینی قوانین و مقررات انبوهی تصویب می‌شود که هم وضع آنها و هم لغو آنها، به اسم حمایت از تولید انجام می‌شود. نتیجه این نحوه حمایت از تولید، به شکل بالاتر بودن قیمت تمام شده بسیاری از کالاها نسبت به کشورهای دیگر، کیفیت پایین محصولات سرمایه‌ای، استمرار دستمزد پائین نیروی کار، تداوم وابستگی دولت به درآمدهای نفتی به دلیل عدم کفایت درآمدهای مالیاتی، بحران بانکی و در مجموع یک نقشه اقتصادی ساده و غیرقابل رقابت حتی با کشورهای همسایه، گریبانگیر کشور شده است. جالب آنکه سیاستمداران چون قادر به رفع مشکلات فوق مانند بی‌ثباتی اقتصادی و غیره نیستند، مدام از بخش خصوصی می‌خواهند تا پیشنهادهای خود را برای حمایت از تولید به شکل تغییر قوانین و مقررات ارائه دهند!

۷. از منظر بخش خصوصی، اولویت‌های زیر از جنبه راهبردی قابل طرح است:

- بازگرداندن اعتماد به جامعه و بازسازی سرمایه اجتماعی. برای تحقق این مهم ارائه گزارشی آماری - تحلیلی دقیق و صادقانه از وضع موجود به مردم و فعالان اقتصادی از ضروریات اولیه محسوب می‌شود.
- کنترل تنش در روابط بین‌المللی و اتخاذ دیپلماسی اقتصادی سازنده با کشورهای دنیا و بر پایه واقعیت‌های موجود در حوزه ژئوپولیتیک منطقه، اقدام عاجلی است که می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی را در راستای جبران عقب‌ماندگی‌های تجاری و اقتصادی، ارتقای جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی و افزایش امنیت اقتصادی کشور فراهم سازد.
- تقسیم کار مناسب بین بخش خصوصی، دولت و نهادهای عمومی غیردولتی از دیگر اقدامات پیشنهادی بخش خصوصی است. اگر مسیر توسعه کشور از بخش خصوصی می‌گذرد، این بخش باید نسبت به سیاست‌های میان‌مدت اقتصادی اطمینان داشته باشد، بتواند در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ با سرمایه‌گذاران خارجی مشارکت کند، از مدیران اقتصادی بین‌المللی در مدیریت کسب‌وکارهای خود استفاده کند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جایگاه مناسب داشته باشد.
- توانمندسازی بخش خصوصی کلید بهبود وضعیت اقتصادی است. ایجاد محیط کسب‌وکار امن، باثبات و پیش‌بینی پذیر که حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران تضمین گردد و قراردادها توسط قانون حمایت شود از جمله اقدامات مهم در این زمینه است.

- ظرفیت اداری، اجرایی، کارشناسی و مالی کشور به‌طور فزاینده‌ای تحلیل رفته است و هر فردی به‌عنوان رئیس دولت باید با پذیرش این واقعیت در انتخاب وزرا، معاونین و مدیران سازمان‌ها و وزارتخانه‌های اقتصادی اصل را بر شایسته‌سالاری قرار دهد و از بین مشکلات اقتصادی موجود، دست به اولویت‌بندی بزند. از دیدگاه بخش خصوصی در بین همه اهداف اقتصادی، ایجاد رشد و مهار پایدار تورم باید در اولویت اصلی برنامه‌های دولت قرار گیرد.

۸. همچنین بخش خصوصی اکیداً به دولت توصیه می‌کند از تجربه‌های سابق درس بگیرد و از اقدامات زیر حذر کند:

- ✓ اجتناب از تبدیل کابینه دولت به شرکت سهامی گروه‌های سیاسی با نگرش‌های مختلف اقتصادی که قطعاً موجب ناهماهنگی خواهد شد. به‌ویژه انتخاب افراد هماهنگ برای وزارتخانه‌های اقتصادی، سازمان برنامه‌بودجه و بانک مرکزی قابل توصیه است.
- ✓ پرهیز از رویکردهای توزیعی صرف و پولپاشی، بدون توجه به اصلاحات اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار که محفلی برای توزیع رانت و فساد است.
- ✓ کنترل میل شدید به سند نویسی‌های پر حجم و کم فایده،
- ✓ اجتناب از رویکردهای غیر شفاف و محرمانه‌انگاری مشکلات اقتصادی کشور.

۹. با توجه به مراتب یاد شده **کلیات بسته سیاست‌های پیشنهادی اتاق ایران** به دولت آتی در راستای رشد اقتصادی پایدار و اشتغال‌زایی به شرح زیر است:

خصوصی‌سازی

- مدیریت شرکت‌ها (بدون انتقال مالکیت) برای دوره‌ای معین طی یک قرارداد شفاف که به‌صورت علنی منتشر خواهد شد، به بخش خصوصی یا یک کنسرسیوم حائز اهلیت در قبال اخذ ضمانت‌های شفاف واگذار شود. در مقابل، دولت در قرارداد فوق متعهد شود که از دخالت‌ها در اداره امور بنگاه‌های فوق پرهیز نماید.
- دولت از مداخله در قیمت‌گذاری محصولات بنگاه‌ها به ویژه بنگاه‌هایی که به روش فوق مدیریت آنها واگذار شده خودداری کند و در صورت لزوم شورای رقابت طبق قانون در این خصوص ورود کند. اگر بخشی از مردم نتوانند به دلیل بالا بودن قیمت یک کالا یا خدمت که طبق فرایند رقابتی در حال تولید است را خریداری کنند، نقش دولت جبران کمبود قدرت خرید از طریق پرداخت‌های انتقالی است و نه دخالت در فرایند تولید یا قیمت‌گذاری. عدم رعایت همین قاعده، ریشه بسیاری از ناکارآمدی‌ها و گسترش فساد در کشور است.
- واگذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط به روش فوق در اولویت واگذاری نسبت به بنگاه‌های بزرگ قرار گیرند.
- شورای رقابت تمام آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی را که پیش از این تصویب شده و با کارکرد رقابتی شرکت‌های تضاد دارند، بررسی و برای اصلاح به دولت تقدیم کند.
- نهادهای عمومی غیردولتی موظف شوند تا بنگاه‌های اقتصادی که خارج از حیطه مأموریت‌های خود در تملک دارند را ظرف ۳ سال از طریق عرضه در بازار بورس یا پیمان‌مدیریتی، واگذار کنند.

سیاست‌های ارزی

- هدف اصلی سیاست ارزی میان مدت کشور، تقویت قدرت رقابت‌پذیری ملی و توسعه صادرات قرار گیرد. در این جهت لازم است که بانک مرکزی (با هماهنگی وزارتخانه‌های صمت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه) اختیارات لازم را داشته باشد و در مقابل اقدامات خود، پاسخگو هم باشد.
- به منظور مصون‌سازی بازار ارز از وقوع شوک‌های ارزی و جلوگیری از رفتار سوداگرانه در بازار ارز، بانک مرکزی بر روی ذخایر ارزی خود هدف‌گذاری کند، به طوری که میزان منابع ارزی بانک مرکزی همواره از آستانه تعریف شده برای مقابله با شوک‌های ارزی بیشتر باشد.
- در صورت ادامه شرایط تحریمی اقتصاد، تخصیص ارزهای بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی به واحدهای تولیدی به منظور واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز در فرآیند تولیداتی که یا زنجیره‌های ارزش در کشور را تکمیل می‌کنند و یا مزیت‌های صادراتی دارند، در اولویت ارزی کشور قرار گیرد. اعلان منظم ارزهای تخصیص داده شده به بخش‌ها و شرکت‌های مختلف و نحوه استفاده از آنها، مشترکاً بر عهده وزارت صمت، بانک مرکزی و گمرک قرار گیرد (حداقل هر شش ماه یکبار).
- پیمان‌سپاری ارزی به شکل کنونی با اولویت ارزهای حاصل از صادرات محصولات کشاورزی و فرش و صنایع دستی، خدمات فنی و مهندسی و صادرات محصولات با فن‌آوری بالا لغو شود و بانک مرکزی موظف شود سازوکارهای لازم را برای تضمین ورود ارزهای کلیه صادرکنندگان به چرخه اقتصادی کشور متناسب با سیاست ارزی و سیاست تجاری کشور طراحی و اجرا کند.
- در تمامی قراردادهای سرمایه‌گذاری که بخشی از سرمایه‌گذاری به شکل ارزی است (از محل دارایی‌های خارجی بانک مرکزی یا صندوق توسعه ملی)، دولت متعهد شود که در صورت جهش نرخ ارز، بخشی از منابع حاصل از تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و تجدید ارزیابی دارایی‌های ارزی صندوق توسعه ملی را صرف تسویه بدهی سرمایه‌گذاران کند. صرفاً سرمایه‌گذارانی مشمول این امتیاز خواهند بود که به تعهدات خود طبق قرارداد عمل کرده‌اند و کل منابع ارزی دریافتی را با تأیید بانک مرکزی و وزارت صمت صرف سرمایه‌گذاری در کشور کرده‌اند.
- گزارش بدهی‌های خارجی کشور اعم از فاینانس، خط اعتباری و سایر انواع روش‌های تأمین مالی خارجی که توسط فعالان اقتصادی اعم از دولتی، غیر دولتی و بانکی ایجاد شده است، به همراه گزارش تحلیل پایداری بخش خارجی^۱ هر شش ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی ارائه شود، تا با اطلاع و نظارت مستمر مجلس، کشور در معرض بحران بدهی‌های خارجی قرار نگیرد.

توسعه صادرات

- استراتژی توسعه صادرات، یکی از راهبردهای دولت برای رشد زایی قرار گیرد و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، وزارت صمت و وزارت امور خارجه موظف شوند که تمامی آئین‌نامه و ضوابط خود و سازمان‌های تابعه

¹ External Sustainability Analysis

را ظرف مدت شش ماه با هدف تسهیل امور صادرکنندگان در داخل و خارج از کشور تغییر دهند و اعلان عمومی نمایند.

- با هدف جهش صادرات غیر نفتی به حداقل دو برابر زمان شروع کار دولت جدید و تغییر تدریجی ترکیب صادرات کشور از صادرات مواد خام یا کالاهای با ارزش افزوده اندک به صادرات با ارزش افزوده بالا، وضع هرگونه محدودیت بر صادرات به بهانه کنترل قیمت‌های داخلی، تنظیم بازار و غیره در ظرف چهار ساله فعالیت دولت ممنوع شود. در مقابل دولت برنامه چهار ساله اصلاح تدریجی قیمت نهادهای مورد استفاده در تولید محصولات صادراتی (انرژی، آب و غیره) را اعلان و اجرا کند.
- سیاست تجاری کشور (هم از منظر واردات و هم از حیث صادرات) در دوره چهار ساله مشترکاً توسط وزارت صمت و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و اعلان شود. توصیه اکید اتاق ایران آن است که ارزیابی که به قیمت زندگی دشوار آحاد مردم در چند سال اخیر، در نقاط مختلف دنیا به صورت اجباری پس انداز شده است، صرف سرمایه‌گذاری برای تکمیل زنجیره‌های تولیدی شود که کشور در آنها مزیت صادراتی دارد. بازار بزرگ کشور نباید به راحتی در اختیار کالاهای نهایی ساخت دیگر کشورها قرار گیرد. در مقابل، منابع مسدود شده در دوران تحریم که احتمالاً آزاد می‌شوند بایستی به صندوق توسعه ملی واریز شده و صرف سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی داخلی با شرکت‌های بزرگ خارجی برای تکمیل زنجیره‌های ارزش داخلی و نیز تقویت تولیدات صادرات‌گرا شود. به این ترتیب، تحولی مهم در اشتغال و صادرات و در نتیجه بهبود پایدار زندگی مردم بوجود خواهد آمد.
- صادرات خدمات فنی و مهندسی یکی از مزیت‌های عمده کشور است. برای استفاده از این ظرفیت، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شود که برای کلیه قراردادهای صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی را مستقیماً یا از طریق بانک توسعه صادرات و صندوق ضمانت صادرات (حسب درخواست کشوری که کار در آن انجام خواهد شد)، بدون وثیقه یا با حداقل وثیقه، ضمانت‌نامه صادر کند و ریسک‌های غیرمتعارف صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی را پوشش دهد.
- نواقص و کاستی‌های سامانه پنجره واحد تجارت در راستای الکترونیکی کردن کامل فرآیند تجارت خارجی و کاهش زمان انجام تشریفات گمرکی، اصلاح و رفع گردند.
- استانداردهای اجباری و تشویقی تعریف شده توسط سازمان ملی استاندارد در حوزه‌های صادرات و واردات به صورت مرتب با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داده شوند و به سرعت اعلان عمومی شوند.
- امکان استفاده از بیمه‌نامه و سفته به جای تضامین صادرات برای جلوگیری از کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی و سوق یافتن منابع از بخش‌های مولد به سیستم مالی کشور فراهم شود.
- امکان حضور تجار بخش خصوصی به عنوان رایزن بازرگانی در خارج از کشور فراهم شود. در برخی کشورها بیش از نیمی از سیاستگذاران امور خارجه دارای تحصیلات و تجربه اقتصادی هستند.



تکمیل طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام و توسعه مشارکت عمومی و خصوصی (ppp)

- لایحه مشارکت عمومی - خصوصی با رویکرد امکان‌پذیر کردن ترکیب منابع بخش خصوصی داخلی و خارجی، صندوق توسعه ملی و منابع عمومی برای اجرای طرح‌های بزرگ زیرساختی که بازدهی اقتصادی دارند اصلاح شود.
- دولت ظرف شش ماه، پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی و طرح‌های جدید قابل واگذاری یا انجام به روش مشارکت عمومی و خصوصی را با مشخصات کاملی که ارزیابی آنها را برای سرمایه‌گذاران امکان‌پذیر کند و شرایط خود را اعلان عمومی نماید. کلیه شرایط سرمایه‌گذاری از قبیل تغییر کاربری بخشی از طرح، قیمت خرید محصولات یا خدمات و غیره باید برای در سامانه بازار الکترونیک طرح‌های عمرانی قابل دسترسی برای عموم باشد.

چابک سازی نظام اداری

- دولت متعهد شود در دو سال اول فعالیت خود حداقل ۵۰ درصد از فرایندهای اداری که اکنون نیاز به مراجعه حضوری مردم دارد را با توسعه دولت الکترونیک از این طریق تغییر دهد. در اجرای این کار، فعالیت‌های مربوط به مراحل انجام کسب‌وکار در اولویت قرار گیرند به گونه‌ای که فرایند ثبت شخص حقوقی بر پایه امضای الکترونیکی تا پایان سال اول به صورت کامل قابل انجام باشد.
- برنامه مقررات‌زدایی به منظور دستیابی به دولت چالاک و کارا، تسهیل فرآیندهای مربوط به ورود، تداوم و خروج بنگاه‌های اقتصادی و کاهش مراکز تصمیم‌گیری در خصوص مجوزهای مورد نیاز برای شروع فعالیت‌های اقتصادی پیگیری و تسریع شود. برای این منظور، نماینده ویژه رئیس‌جمهور، به‌عنوان رئیس کارگروه مقررات‌زدایی تعیین شود و وی اختیار داشته باشد که پس از نهایی کردن فرآیند احصاء مجوزهای لازم، نسبت به پالایش و حذف مجوزهای غیرضرور با همکاری سایر دستگاه‌ها و بخش خصوصی اقدام کند.

توسعه بازار سرمایه

- سازمان بورس و اوراق بهادار ظرف یک سال امکان رتبه‌بندی شرکت‌های مختلف، کوتاه کردن فرآیند انتشار اوراق تأمین مالی، کاهش هزینه‌های انتشار و کاهش حداقل میزان تعریف شده برای تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بدهی، امکان تأمین مالی از طریق این ابزار را برای شرکت‌های مختلف فراهم سازد.
- از طریق رفع انحصار در اعطای مجوز فعالیت در بخش‌های مختلف اعم از کارگزاری، سبد گردانی و شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، به تعمیق بورس کمک شود.
- امکان افزایش عرضه اولیه سهام برای شرکت‌های جدید، از طریق تسهیل شرایط پذیرش شرکت‌ها در بازار سهام توسط سازمان بورس فراهم گردد.
- سازوکارهای نظارتی قوی بر بازار بورس فعال و تقویت شوند تا سفته‌بازی و سوداگری در این بازار کنترل گردد و از متقلبان جریمه‌های مالی سنگین اخذ شود.

- بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار آئین‌نامه و دستورالعمل‌های مورد نیاز برای تأمین مالی مشترک^۱ پروژه‌های بزرگ از طریق بازار سرمایه و شبکه بانکی را از طریق منابع داخلی یا خارجی فراهم کنند.

مبارزه با فساد

- سامانه افشای فساد در سازمان‌ها و نهادهای درگیر با فعالان اقتصادی طراحی شود و قانون حمایت از افشاگران به منظور فراهم شدن زمینه افشای فسادها و رشوه‌گیری‌ها در دستگاه‌های دولتی توسط مردم، تدوین شود.
- گمرکات کشور در راستای مقابله با قاچاق تخصصی شوند.
- عملکرد همه بازارچه‌های مرزی و مبادی ورود کالا به منظور جلوگیری از قاچاق کالا به طور جدی توسط گمرک کنترل شود.

رفع تبعیض بین بخش خصوصی و دولتی و حرکت به سمت فضای رقابتی

- رعایت ماده (۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ جهت جلوگیری از اتخاذ سیاست‌های تبعیض آمیز بین دولت و بخش خصوصی در همه مصوبات دولت و مجلس مد نظر قرار گیرد.
- عملکرد شورای رقابت و راه‌اندازی نهادهای تنظیم‌گر بخشی در بازارهایی که مصداق انحصار هستند، تقویت شود.
- کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف شوند به منظور ایجاد تراضی و عادلانه نمودن قراردادها برای بخش‌های خصوصی و تعاونی، در انعقاد قرارداد با شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی برای خرید کالا یا خدمت، از فرم‌های یکنواخت استفاده کنند.

انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بلندمدت با کشورهای مهم بویژه چین

- رابطه اقتصادی بلندمدت بر اساس مصالح توسعه‌ای کشور، مثبت تلقی می‌شود. چین در حال تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی دنیا است و از دیدگاه ژئواکونومیک، همکاری با چین برای موفقیت ایران در اوراسیا ضروری است. نکته‌ای که دولت آینده باید به آن توجه داشته باشد آن است که در عقد تفاهم‌نامه، توجه به سایر مناطق و فرصت‌هایی که برای کشور می‌تواند گشایشی به همراه داشته باشد نظیر هند و اتحادیه اروپا نیز لازم است.
- از متخصصان مجرب در حوزه مهندسی مالی، امور حقوقی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی در انعقاد هر نوع قرارداد و تفاهم‌نامه با کشورها استفاده حداکثری شود تا با اتخاذ رویکرد فعالانه، تعامل برد-برد با چین و سایر کشورها فراهم شود.

^۱ Cofinance



مقدمه

انتخابات ریاست جمهوری هر دوره بارقه‌ای از امید به تغییر در جهت حل مشکلات اقتصادی در دل مردم و فعالان اقتصادی پدید می‌آورد. به‌رغم وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی فراوان و نحله‌های فکری متفاوتی که طی دهه‌های گذشته قدرت را در اختیار گرفته‌اند، اما همواره مشکلات ساختاری اقتصاد ایران از دوره‌ای به دوره بعد منتقل شده است. اکنون هم مردم و هم فعالان اقتصادی نسبت به قبل درباره آینده اقتصادی خود، فرزندان و کسب‌وکارهایشان نگران‌تر هستند. این در حالی است که تمامی کارشناسان و فعالان اقتصادی و سیاستمداران، بر ظرفیت‌های پرشمار کشور برای رشد و توسعه تأکید می‌کنند.

گزارش حاضر به‌عنوان اولین گزارش، تلاشی برای بیان نظرات بخش خصوصی درباره ضرورت تغییر در دیدگاه‌های کلان سیاستگذاران کشور به‌ویژه رئیس‌جمهور آینده در حوزه اقتصاد است و سعی شده است که صرفاً به موضوعات مهم و در حد اختصار پرداخته شود. به‌زودی سه گزارش دیگر نیز منتشر خواهد شد. اولین گزارش، باورهای غلط در حوزه سیاستگذاری کلان اقتصادی مانند تورم و بیکاری و رشد و بودجه دولت را نقد و بررسی خواهد کرد و دیدگاه‌های درست‌تر درباره هر موضوع را بیان خواهد کرد. دومین گزارش با توجه به شعار سال ۱۴۰۰، حاوی پیشنهادهایی برای رفع موانع تولید و تشویق فعالیت‌های اقتصادی مولد در کوتاه‌مدت است که با مشورت با فعالان اقتصادی، تشکل‌ها و کمیسیون‌های تخصصی اتاق تهیه شده است. سومین گزارش نیز پیش‌نیازهای رشد پایدار در برنامه هفتم توسعه را به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد داد.

در گزارش پیش‌رو ابتدا به تصویرسازی اجمالی از چالش‌ها و تهدیدها و همین‌طور فرصت‌های پیش‌روی نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران در راستای بهبود رشد اقتصادی و توسعه کشور پرداخته می‌شود. اثرگذاری این تهدیدها و فرصت‌ها بر روی رشد اقتصادی کشور از این زاویه بسیار حائز اهمیت است که طی دهه اخیر اقتصاد ایران از وضعیت بسیار نامطلوبی از نظر رشد اقتصادی برخوردار بوده است تا جایی که برخی از کارشناسان از آن به "دهه ازدست‌رفته" یاد می‌کنند. لذا ضروری است با تکیه بر یک رویکرد علمی در نحوه رویارویی با چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، بیشترین بهره‌برداری در جهت ایجاد رشد اقتصادی پایدار صورت گرفته شود. سپس اهمیت تولید و ایجاد رشد اقتصادی پایدار و شرایط فعلی اقتصاد کشور از این ناحیه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در ادامه راهبردهای تجربه شده برای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب مورد توجه قرار می‌گیرد و در بخش پایانی نیز به نقش بخش خصوصی در اقتصاد، مطالباتش از رئیس‌جمهور آینده و بایدها و نبایدهای سیاستی برای تحقق یک رشد اقتصادی پایدار و فراگیر مورد تأکید قرار گرفته است.

۱- چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌رو

پیامدهای کیفیت حکمرانی نامطلوب در اقتصاد ایران در چند دهه اخیر عموماً با تکیه بر درآمدهای نفتی و استفاده بیش از حد از منابعی مانند آب‌وخاک و سرزمین نادیده گرفته شده است. استمرار این شرایط در کنار کاهش قابل توجه

درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر، موجب شده است که ناکارآمدی‌های ساختاری در قالب بحران‌های متعدد، نه تنها توسعه و رشد اقتصادی بلکه بقای اقتصادی ایران را در چشم‌انداز میان‌مدت تهدید کند. در ادامه به مهم‌ترین حوزه‌های بحرانی که تهدیدهای جدی برای اقتصاد ایران و دستیابی به رشدی قابل قبول به شمار می‌روند اشاره شده است:

■ اقتصاد نفتی و تحولات بازار انرژی در سطح جهانی: تجربه بیش از نیم‌قرن حاکی از آن است که اقتصاد

نفتی به شدت محیط کلان کشور را تحت تأثیر قرار داده و در برابر شوک‌های بیرونی از قبیل نوسانات قیمتی و مقداری آسیب‌پذیر ساخته است. پیش‌بینی‌های نهادهای بین‌المللی از تقاضای آینده انرژی‌های فسیلی، حاکی از آن است که اکثر کشورهایی که امروز متقاضی نفت و سوخت‌های فسیلی هستند، برنامه‌ریزی‌های خود را به گونه‌ای ترتیب داده‌اند که در دوره ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ از مصرف اینگونه سوخت‌ها بی‌نیاز شوند. توجه به این مسئله با در نظر گرفتن روند رشد و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در اقتصاد جهانی اهمیت بیشتری برای ایران پیدا می‌کند. بدیهی است در صورت بی‌توجهی به این روند، چشم‌انداز جایگزینی انرژی‌های تجدیدپذیر با سوخت‌های فسیلی در بلندمدت یک تهدید جدی برای اقتصاد نفتی ایران به شمار خواهد آمد.

■ وابستگی تولید به واردات: بررسی داده‌های بخشی و مرور تجربیات سال‌های اخیر به وضوح نشان می‌دهد که

اکثریت صنایع غیرنفتی ایران به لحاظ تأمین مواد اولیه و فناوری‌های تولید، به واردات وابسته هستند. طبق آخرین آمار بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۹۷، نزدیک به ۲۹ میلیارد دلار از کالاهای وارداتی ایران را مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تشکیل داده‌اند. جالب‌توجه آنکه طبق آمارهای رسمی ارزش افزوده بخش صنعت ایران در این سال حدوداً معادل ۱۸ میلیارد دلار بوده که ارزش آن نزدیک به دو سوم ارزش کالاهای اولیه و واسطه‌ای وارداتی در آن سال است.^۱ این آمار گویای وابستگی بالای ساختار تولیدات صنعتی است. این مسئله از آن جهت تهدیدی جدی به شمار می‌آید که کشور دائماً در معرض شوک‌هایی نظیر تحریم، افزایش نرخ ارز و کمبود شدید آن است و این روند موجب کاهش تاب‌آوری اقتصاد و افزایش ضربه‌پذیری اقتصاد ایران می‌شود.

■ بحران بهره‌وری: طی دهه‌های اخیر، تحریم‌های بین‌المللی، تضعیف ارزش پول ملی به صورت مستمر و عدم

بهره‌گیری کارآمد از فناوری‌های جدید در تولیدات صنعتی موجب شده که فاصله معناداری بین سطح فناوری تولید داخلی با سطح فناوری به‌روز جهانی به وجود آید. این شکاف فناوری به طرز قابل ملاحظه‌ای باعث رکود در بهره‌وری و کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات صادراتی ایران در بازارهای خارجی شده است. طبق داده‌های بانک جهانی، بهره‌وری کل عوامل تولید ایران طی ۳۰ گذشته حدود ۱۴ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که طی این دوره به دلیل تحولات فناورانه و موج چهارم انقلاب صنعتی در سطح بین‌المللی با پدیده انقلاب بهره‌وری روبه‌رو بوده‌ایم. برای نمونه طی مدت مشابه بهره‌وری کل عوامل تولید هند ۵۱ درصد رشد داشته است.^۲ همچنین بر اساس آمارهایی که سازمان بهره‌وری آسیا در سال ۲۰۲۰ منتشر کرده، میانگین سالانه رشد بهره‌وری کل عوامل تولید طی

^۱ بانک مرکزی، ۱۳۹۹ (محاسبات بر اساس سال پایه ۹۰ و نرخ تبدیل به دلار بر اساس نرخ اعلامی بانک مرکزی در سال ۹۷، ۴۱۹۵۰ ریال است)

^۲ World Bank, 2021



دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، برای ایران منفی یک (-۱) درصد و برای کشورهای نظیر مالزی، کره، سنگاپور، ویتنام، پاکستان، هند و چین به ترتیب معادل ۰,۵، ۰,۷، ۰,۹، ۱,۶، ۲,۱، ۲ و ۲,۶ درصد بوده است. مهم‌تر آنکه سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی^۱ این دوره کشور نیز منفی ۶۳ درصد بوده است. در حالی که این سهم به ترتیب برای چین ۳۷، هند ۳۱، مالزی ۱۰، سنگاپور ۲۰ و ژاپن ۶۴ درصد بوده است.^۲

■ **بحران آب و محیط زیست:** ایران در رده‌بندی جهانی جز کشورهای کم آب محسوب می‌شود و میزان بارندگی آن کمتر از یک سوم متوسط بارندگی جهانی و استعداد تبخیر آب در ایران حدود سه برابر متوسط جهانی است.^۳ همچنین مقایسه داده‌های بهره‌وری آب بانک جهانی نشان می‌دهد ایران در سال ۲۰۱۷ رتبه ۱۴۸ دنیا را از بین ۱۷۵ کشور در شاخص بهره‌وری آب دارا بوده است.^۴ مسئله خشکسالی در سال جاری به بدترین شرایط خود در مقایسه با سال‌های اخیر رسیده است. بر اساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو، میزان بارندگی‌های کشور از ابتدای سال آبی ۹۹ (ابتدای مهرماه) تا چهارم اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۰ به ۱۲۷,۸ میلی‌متر رسیده است که این رقم در مقایسه با بارش‌های مدت مشابه سال گذشته (۲۷۹,۳ میلی‌متر) کاهش ۵۴ درصدی و در مقایسه با میانگین ۵۲ ساله، کاهش ۴۱ درصدی را نشان می‌دهد.^۵ در چنین شرایطی دسترسی و تأمین آب و فعالیت‌های اقتصادی با مشکلات فراوانی روبروست و فعالان اقتصادی وضعیت سختی را پیش رو دارند که در صورت عدم تدبیر، سخت‌تر نیز خواهد شد.

همچنین طبق آخرین آمارهای بانک جهانی، از لحاظ میزان آلاینده‌ی CO₂ ایران هشتمین کشور آلاینده دنیا در سال ۲۰۱۶ بوده است.^۶ ضمن اینکه با مقایسه نسبت میزان آلاینده‌ی CO₂ به تولید ناخالص داخلی بیست کشور آلاینده، نشان می‌دهد بالاترین نسبت متعلق به ایران است. این موضوع میزان آلاینده‌ی صنایع کشور را به خوبی نشان می‌دهد. بنابراین توجه به محیط زیست و سیاست‌گذاری در جهت تخریب کمتر محیط زیست باید به‌عنوان قید دیگری در رابطه با رشد اقتصادی مطرح گردد.

■ **نابرابری و فقر نامتعارف، افزایش نارضایتی در جامعه و بحران سرمایه اجتماعی:** رکود تورمی پایدار در ایران منجر به ایجاد نابرابری‌های اقتصادی نامتعارف و تضعیف طبقه متوسط شده است. در سال ۱۳۹۷ نرخ فقر کشور با توجه به خط فقر جهانی که معادل ۵,۵ دلار ایالات متحد برحسب برابری قدرت خرید است، ۱۲,۳ درصد بود که ۱,۵ درصد بیشتر از سال قبل آن بود. شاخص نابرابری (برحسب ضریب جینی) برابر با ۳۵,۶ بود و مقدار آن پس از سال ۱۳۹۵ همواره افزایشی بوده است.^۷ این وضعیت فشار قابل ملاحظه‌ای به مردم در سال‌های اخیر وارد

¹ Contribution Shares of Economic Growth(Average contribution share of TFP) 2010-2018

² APO 2020

^۳ شاکری، ۱۳۹۵

⁴ World Bank, 2018

^۵ پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو، ۱۴۰۰

⁶ World Bank, 2021

⁷ World Bank, 2020

نموده و آسیب‌های جدی به سرمایه اجتماعی ملی و اعتماد مردم به نظام وارد کرده است که می‌تواند منجر به کنش‌های اجتماعی مخرب شود که مانعی جدی ثبات اقتصادی و رشد خواهد بود.

▪ **بدهی‌های دولتی و وضعیت نامطلوب صندوق‌های بیمه بازنشستگی کشور:** درآمدهای دولت ایران طی یک دهه گذشته به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و جلوگیری از فروش نفت ایران و همچنین کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی به صورت قابل توجهی کاهش یافته است. همچنین در سال‌های اخیر تحریم و کرونا باعث تحمیل هزینه‌های هنگفتی به ساختار حکمرانی کشور شده است. این مسئله باعث شده است تا دولت برای تأمین کسری بودجه اقدام به فروش دارایی‌های ملی و همچنین فروش اوراق قرضه نماید و درآمدهای حاصله را صرف هزینه‌های جاری خود کند. از طرف دیگر تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور، علی‌رغم اینکه دارایی‌های اقتصادی ارزشمندی مانند شستا به‌عنوان بزرگ‌ترین هلدینگ اقتصادی کشور را در اختیار دارد، اما نه تنها نتوانسته مدیریت صحیح این منابع را برای مستمری‌بگیران آتی تضمین کند، بلکه در پرداخت‌های فعلی خود نیز ناتوان مانده است.

▪ **فساد اداری:** طبق آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۲۰۲۰، ایران از نظر شاخص فساد در میان ۱۸۰ کشور در جایگاه ۱۴۹ قرار گرفته است.^۱ فساد از طریق دو مجرا موجب انحراف در مسیر رشد و توسعه کشور می‌گردد: مجرای اول آنکه چنین فساد گسترده‌ای موجب انحراف نظام پاداش‌دهی خواهد شد و این پیام را به کنشگران مخابره می‌کند که در صورت انجام فعالیت‌های غیرمولد و فسادزاه از پاداش‌های چشمگیری برخوردار خواهند شد که بی‌نیاز به تلاش و زحمتهای طاقت‌فرسای تولید است. از طرف دیگر در محیط فاسد، تخصیص منابع به‌جای آنکه مبتنی بر ملاحظات کارشناسی و توسعه‌ای صورت گیرد، بر مبنای توزیع رانت در راستای منافع شخصی افراد و سازمان‌های ذینفع انجام می‌پذیرد. بنابراین رویه‌های فاسد مانعی جدی برای تحقق رشدهای مستمر و پایدار خواهد بود.

۲- فرصت‌های پیش‌رو

با توجه به شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی که کشور در آن قرار دارد، فرصت‌های استثنایی و سرنوشت‌سازی نیز پیش‌روی اقتصاد ایران است که در صورت اصلاح دیدگاه‌های کوتاه‌نگرانه و غیرعلمی حاکم بر نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور، می‌توان با تکیه بر یک برنامه‌ریزی علمی و آینده‌نگرانه، به دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در راستای تحقق یک رشد اقتصادی پایدار و فراگیر نائل شد:

▪ **تحولات ساخت قدرت در سطح جهانی:** مناسبات قدرت در حوزه سیاست بین‌الملل به نوع جدیدی از توزیع قدرت دوقطبی در حال تغییر است. در این توزیع قدرت جدید، رقابت بر سر تکنولوژی در کانون رقابت‌های چین و

^۱ Transparency International, 2020

ایالات متحده است و زنجیره‌های ارزش رفته‌رفته از آن متأثر می‌شود.^۱ پیامدهای رقابت میان چین و آمریکا در تحولات زنجیره ارزش اوراسیا، پررنگ شدن نقش چین در خاورمیانه به‌عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت خام، رقابت در سرمایه‌گذاری در بازارهای آفریقا و مهم‌تر از همه رقابت در صنایع با فناوری بالا مانند اینترنت 5G ظهور پیدا کرده است. این تحولات جهانی برای ایران به‌عنوان کشوری که در نظم اقتصادی فعلی از جایگاه مطلوبی در زنجیره‌های ارزش جهانی برخوردار نیست، یک فرصت طلایی محسوب می‌شود که بتواند از تحولات پیش‌رو بیشترین دستاورد را در راستای ارتقاء جایگاه اقتصادی خود داشته باشد. به‌ویژه آنکه ایران به لحاظ جغرافیایی در بطن خاورمیانه و ابتکار کمربند- راه چین قرار دارد که این امر پتانسیل‌های قابل ملاحظه‌ای برای افزایش نقش آفرینی مثبت ایران ایجاد خواهد کرد.

■ **اقتصاد دانش‌بنیان:** اقتصاد جهانی در حال تجربه اقتصاد دانش‌بنیان یا موج چهارم انقلاب صنعتی است. تحقق این نظام تولیدی چنان دستاوردهای اقتصادی چشمگیری به همراه دارد که مؤلفه‌های اصلی آن در صدر اولویت‌های برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته است. برای نمونه چین در نظر دارد از کارخانه جهان به کانون اقتصاد دانش‌بنیان در جهان، تغییر موقعیت دهد. ترکیه نیز در تازه‌ترین نسخه استراتژی توسعه صنعتی خود که در سال ۲۰۱۹ منتشر شده، هدف اصلی استراتژی توسعه صنعتی خود را تبدیل شدن به کانون اصلی در تولیدات صنعتی‌های تک و تولیدات با فناوری متوسط در منطقه اوراسیا تعریف کرده است.^۲ ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه می‌تواند از اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان یک مسیر میانبر بر جبران عقب‌افتادگی تاریخی خود استفاده کند. کشورمان این فرصت را دارد که در صورت پیگیری اصلاحات سیاستی معطوف به تحقق اقتصاد دانش‌بنیان از دستاوردهای بالقوه این شیوه تولیدی از قبیل بهبود بهره‌وری، ارتقاء جایگاه در زنجیره ارزش جهانی، کاهش وابستگی به نفت و خام‌فروشی، افزایش پیچیدگی اقتصادی، ارتقاء قدرت رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی و درنهایت افزایش درآمد ملی و رشد اقتصادی پایدار و فراگیر بهره‌مند شود.

■ **بهره‌گیری از پنجره جمعیتی در آستانه بسته شدن و نیروی انسانی تحصیل کرده:** هنگامی که نسبت جمعیت در سن کار به جمعیت وابسته در یک کشور از یک و نیم فراتر رود، پنجره جمعیتی آن کشور باز شده و فرصت‌های بالقوه‌ای را برای رشد اقتصادی کشورها فراهم می‌سازد. متأسفانه فرصت پنجره جمعیتی کشور ما که از اواخر دهه ۷۰ باز شده، در خوش‌بینانه‌ترین حالت یک دهه و نیم و در بدبینانه‌ترین حالت کمتر از ۵ سال دیگر بسته خواهد شد. بنابراین فرصت اندکی برای بهره‌گیری از این پنجره جمعیتی برای ارتقای تولید وجود دارد.^۳

بعلاوه در طی ۴۰ سال گذشته سرمایه‌گذاری قابل توجهی در حوزه تربیت نیروی انسانی تحصیلکرده انجام شده است. این در حالی است که طبق آخرین داده‌های رسمی منتشر شده، در زمستان ۱۳۹۹، ۳۸٫۸ درصد از بیکاران کشور

۱ شریعتی‌نیا، ۱۳۹۹

۲ شریعتی‌نیا، ۱۳۹۹

۳ مروی، ۱۴۰۰

فارغ‌التحصیل آموزش عالی می‌باشند.^۱ این داده‌ها به‌خوبی گویای وجود ظرفیت‌های بالقوه نیروی انسانی در جامعه ایران می‌باشد. داده‌های فوق‌الذکر به‌روشنی نشان می‌دهد ظرفیت‌های بالقوه‌ای در اقتصاد ایران از زاویه وجود نیروی کار تحصیلکرده جوان وجود دارد که با برنامه‌ریزی‌های منسجم می‌توان از این سرمایه‌ها در جهت سرعت بخشی به رشد استفاده کرد.

۳- اولویت به تولید و رشد اقتصادی سرآغاز تحول

■ نگاهی به اوضاع اقتصادی و اجتماعی نیم قرن اخیر کشور و بررسی مسائل و معضلات در دولت‌ها در طول این دوره، نشان از آن دارد که کشور در یک سیکل معیوب و تکرارشونده از مجموعه مشکلاتی نظیر تورم‌های دو رقمی، نرخ بیکاری و اشتغال ناقص قابل توجه، فقر پایدار و نابرابری گرفتار شده است. بر اساس آمارهای رسمی داخلی و بین‌المللی، اندازه اقتصاد کشور طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸، حدود ۱۱ درصد کوچک شده است که از کاهش ظرفیت‌های رشد آفرینی اقتصاد خبر می‌دهد.^۲ بر اساس آمارهای بانک مرکزی، میانگین رشد اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا انتهای ۱۳۹۸ نزدیک به صفر بوده که با نوسانات چشمگیری هم همراه بوده است. بعلاوه این رشدها ویژگی فراگیری نداشته و نابرابری‌ها را بین سطوح مختلف جامعه کاهش نداده است به‌طوری‌که ضریب جینی طی این سال‌ها روندی افزایشی داشته است. از سوی دیگر، ثبت رشد منفی در بیشتر سال‌های دهه ۹۰ و به‌ویژه رشد منفی ۱۴٫۲ درصدی، منفی ۱۷٫۴ درصدی و منفی ۲٫۴ درصدی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در ماشین‌آلات^۳ طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و نه‌ماهه ۱۳۹۹ به این معناست که در فضای پرتهاپ کشور، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد اقتصادی وجود ندارد و اقتصاد کشور با محدودیت جدی و تنگنای اساسی در کلیدی‌ترین عامل تعیین‌کننده ظرفیت رشد اقتصادی در دهه آینده، مواجه خواهد بود.

■ تقریباً همه اقتصاددانان با نحله‌های فکری گوناگون بر سر این مسئله اجماع دارند که رشد اقتصادی پائین، کسری بودجه مزمن، رشد نقدینگی و غیره خود ریشه در حکمرانی ضعیفی دارند که مصادیق خود را در فضای نامناسب کسب‌وکار، دولت بزرگ و ناکارآمد، نظام مالیاتی و نظام حمایتی غیر هدفمند و ناسازگاری اهداف اقتصادی با سیاست خارجی نشان می‌دهد. در چنین فضایی انتخاب روسای جمهور و مجلس جدید اگرچه همواره بارقه‌هایی از امید به تغییر ایجاد می‌کند، اما در طی زمان مردم و به‌ویژه فعالان اقتصادی مشاهده کرده‌اند که گرفتاری‌ها و مشکلات اساسی بدون تغییر مانده و باگذشت زمان به تعداد آنها نیز افزوده شده است. شایسته ذکر است که برخی مسئولان یا نهادهای حاکمیتی تصور می‌کنند که با عدم انتشار به‌موقع آمارهای اقتصادی می‌توانند وضعیت را بهتر از آنچه هست جلوه دهند. درحالی‌که به این واقعیت توجه ندارند که نتیجه سیاست‌های اقتصادی ابتدا به شکل تورم، بیکاری،

^۱ وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۴۰۰

^۲ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹

^۳ حساب‌های ملی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹



فقر و نابرابری، کمبود مواد اولیه و کاهش تولید، در سفره‌های مردم و بنگاه‌های اقتصادی پدیدار می‌شود و سپس خود را به شکل رشدهای اندک یا منفی نشان می‌دهد.

■ به جرات می‌توان گفت ریشه تداوم همه مشکلات برشمرده و ناکارآمدی‌های مدیریتی، ساده‌انگاری همه دولتمردان طی چند دهه اخیر در خصوص مفهوم رشد اقتصادی و سازوکار بهتر شدن وضع مردم به لحاظ اقتصادی است. متأسفانه در کشور ما به واسطه حکمرانی نامطلوب که برخی نمودهای آن برشمرده شد و همچنین دسترسی دولت به منابع طبیعی فراوان مانند نفت و گاز، درک از مقوله رشد با آنچه در واقعیت و دنیای جدید وجود دارد، فاصله معناداری پیدا کرده است و بررسی‌های کارشناسی حاکی از آن است که رشد اقتصادی در کشور در ۵ دهه گذشته، ناپایدار، غیر فراگیر، وابسته به منابع نفت و گاز و غیر اشتغال‌زا بوده است. آثار مدیریت اقتصادی با این ویژگی‌ها حتی در حوزه سیاسی نیز پدیدار شده و قدرت و امنیت کشور را آسیب‌پذیر کرده است.

■ رشد اقتصادی از جمله مهم‌ترین متغیرهایی است که ضمن دلالت‌های مستقیمی که برای سنجش سطح توسعه، رفاه اقتصادی، فقر، نابرابری و بیکاری دارد، قدرت چانه‌زنی کشورها در سطح بین‌الملل را نیز تعیین می‌کند. عمده تحولات اقتصادی تاریخ بشر و جهش بی‌سابقه رفاه جوامع در دو سده گذشته را می‌توان در قالب تغییر نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد درآمد سرانه بیان کرد. رشد اقتصادی سریع، مستمر و پایدار، نقش مهمی در رهایی جوامع از فقر و بیکاری، ایجاد تحول اجتماعی و تغییر قدرت منطقه‌ای کشورها دارد. همین مسئله توجه به سازوکارهای رشد و طراحی راهبردهای اقتصادی رشد محور را برای جوامع جذاب ساخته است.

■ رشد اقتصادی مستمر در گروی افزایش باثبات تولید (بخش حقیقی اقتصاد) در بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت و پشتیبانی مؤثر و متناسب بخش مالی از آن است. رشد اقتصادی فراگیر و باثبات و همراه با افزایش بهره‌وری عوامل تولید هم‌زمان با خود چهار جریان مهم اقتصادی ایجاد می‌کند: اول) امکان افزایش دستمزدهای حقیقی را می‌دهد که موجب بهبود وضع خانوارها خواهد شد، دوم) امکان افزایش درآمدهای مالیاتی برای دولت را ایجاد می‌کند که خود زمینه خدمات‌رسانی بهتر به مردم و عرضه بیشتر کالاها و خدمات عمومی مانند امنیت و آموزش و بهداشت و درمان را فراهم می‌سازد، سوم) افزایش جریان درآمدی برای صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی که پایداری مالی آنها را بهبود می‌بخشد و رفاه بیشتر بازنشستگان را به دنبال دارد و چهارم) افزایش سود برای فعالان اقتصادی که ضامن افزایش سرمایه‌گذاری برای تداوم رشد است را در پی دارد. بدین ترتیب اگر وضع اقتصادی مردم مناسب نیست، اگر دولت دچار کسری بودجه مزمن است، اگر وضع صندوق‌های بازنشستگی و بازنشستگان نامساعد است و اگر سرمایه‌گذاری افت کرده است، قطعاً یکی از دلایل عمده آن نامناسب بودن وضعیت تولید در کشور است.

■ بدون تعارف باید گفت که با تکیه بر نگرش‌های رایج به تولید و سازوکارهای معمول و اجرا شده قبلی، تحولی در توان تولید ملی و نیل به رشد اقتصادی درون‌زا و پایدار ایجاد نخواهد شد. تولید در دنیای کنونی به‌مثابه نظام حیات جمعی، یک پدیده و مفهوم کاملاً پویا، جامع، کیفی است و تداوم آن حاصل جریان‌های کالایی و مالی درهم تنیده

ملی و بین‌المللی است.^۱ افزایش توان کشور به لحاظ رشد و توسعه، نیازمند تغییر نگرش‌های مسلط در همه ارکان سیاستگذاری در کشور است و نمی‌توان کاستی‌ها و تنگناهای موجود را صرفاً با تخصیص منابع ارزی و ریالی یا انتقال مکانیکی ماشین‌آلات صنعتی وارداتی رفع کرد. دولت‌ها و مجالس در همه دوره‌ها بر این باور بوده‌اند که با اعطای زمین، فراهم کردن آب و برق و سوخت ارزان، تسهیلات بانکی، توزیع نهاده‌های تولید با قیمت‌های ترجیحی، معافیت مالیاتی و غیره، تولید رونق می‌گیرد. در این بین دو نکته مهم مغفول مانده است: اول) مقیاس تولید و تکنولوژی مورد استفاده برای تولید - که تأثیر مستقیم بر قیمت تمام شده کالاها دارد - در نتیجه این سیاست‌ها بسیار نا بهینه شکل گرفته؛ به گونه‌ای که قیمت تمام شده بسیاری از کالاها در کشور بالاتر از سطح بین‌المللی است، در حالی که از انواع نهاده‌هایی برای تولید استفاده می‌کنند که ارزان‌تر از قیمت‌های بین‌المللی است. دوم) آثار این گونه تصمیمات، هم موجب عدم تعادل در سایر اجزای نظام اقتصادی مانند نظام بانکی و بیمه‌ای و بودجه دولت و تراز تجاری شده است و هم به شکل بحران بهره‌وری آب‌وخاک و انرژی و غیره در کشور پدیدار شده است. به عبارتی تولید بسیار پرهزینه بوده است و با استانداردهای جهانی فاصله معناداری دارد.

■ در طول سال‌های اخیر عمده‌ترین مشکل فعالان اقتصادی بی‌ثباتی اقتصاد کلان بوده است. دامنه نوسان قیمت ارز، نرخ تورم، قیمت مواد اولیه، قیمت محصولات تولیدی، قیمت زمین، نرخ دستمزد و مقررات صادرات و واردات و غیره، حتی در بازه‌های کوتاه‌مدت جملگی غیرقابل پیش‌بینی است. مسئولان در مجلس و دولت با تصویب قوانین و مقررات هر لحظه و به اراده خود، متغیرهای فوق را تغییر می‌دهند و دستکاری می‌کنند و حتی گاهی مصوبات را عطف به ماسبق می‌کنند. بخشی از این بی‌ثباتی نتیجه تحریم‌های اقتصادی و واکنش مسئولان نسبت به آن است و بخشی به نبود راهبرد بلندمدت برای مدیریت اقتصادی در کشور باز می‌گردد. بخش خصوصی به جلسات تصمیم‌گیری دعوت می‌شود، اما جمع دولتی‌ها به دنبال حل مسائل سازمان خود و پاسخگویی به مرجع مافوق هستند تا حل مسائل فعالان اقتصادی. در چنین شرایطی چگونه می‌توان توقع داشت که طرح‌های سرمایه‌گذاری بزرگ که اساس تولید بهره‌ور را تشکیل می‌دهند، در دستور کار فعالان اقتصادی قرار گیرد و به رشد اقتصادی بیانجامد؟

■ اگر بپذیریم که موضوع ارتقای توان تولید ملی لازمه تحقق بخشی به رشد اقتصادی پایدار و درون‌زا است، تحول در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی به نفع تولید، از ضروریات است. تنها در این صورت است که فرصت برای نقش‌آفرینی در زنجیره ارزش جهانی فراهم خواهد شد، قدرت چانه‌زنی اقتصادی و سیاسی کشور در دنیای خارج افزایش خواهد یافت، ظرفیت‌های اشتغال‌زایی اقتصاد ملی رشد خواهد کرد و بهبود آشکاری در وضعیت معاش و رفاه مردم ایجاد خواهد شد.



۴- راهبردهای موفق برای رشد پایدار و سطح بالا

اگر دولتمردان بپذیرند که دستیابی به رشد سطح بالا، پایدار و فراگیر لازمه گذر از شرایط فعلی و تغییر سطح توسعه یافتگی و بهبود محسوس وضع زندگی مردم کشور است، باید درصدد انجام اقدامات مناسب برای تحقق آن باشند. از سال ۱۹۵۰ تاکنون حدوداً ۱۳ کشور توانسته‌اند با نرخ متوسط ۷ درصد یا بیشتر در سال، برای بیش از ۲۵ سال رشد کنند.^۱ جدول ۱ داده‌های مربوط به تحول درآمد سرانه چند کشور منتخب را نشان می‌دهد.

جدول ۱- درآمد سرانه چند کشور با رشد بالا در مقایسه با ایران به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰- دلار

درآمد سرانه (به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۰ دلار آمریکا)	سال ۱۳۵۸ (۱۹۸۰) دلار	سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) دلار
ایران	۴۷۸۹.۲۳	۵۹۲۲.۵۳
ترکیه	۴۹۸۶.۳۶	۱۵۱۲۵.۳۹
کره جنوبی	۳۶۷۹.۱۱	۲۸۶۷۵.۰۳
مالزی	۳۳۱۷.۲۷	۱۲۴۸۶.۶۸
اندونزی	۱۲۳۱.۲۰	۴۴۵۰.۷۲
چین	۳۴۷.۱۹	۸۲۴۲.۰۵

Source: World Bank

همان‌گونه که مشاهده می‌شود درآمد سرانه کشورهای نظیر چین، مالزی، کره و حتی ترکیه طی ۴۰ سال اخیر به ترتیب ۳۳،۷؛ ۳،۷؛ ۷،۸؛ ۳ برابر شده است، اما ایران در این مدت، تنها توانسته است درآمد سرانه خود را ۱،۲ برابر کند. در نتیجه این تحول شگرف در این کشورها و به‌رغم نابرابری در توزیع درآمد، به طور متوسط وضعیت مردمان این کشورها نسبت به حدود ۴۰ سال قبل بهبود قابل توجهی پیدا کرده است. تجربه موفق چین در ریشه‌کن ساختن فقر مطلق و رهایی بیش از ۷۷۰ میلیون نفر از جمعیت از چنگال فقر طی چهار دهه گذشته، ناشی از رشد پایدار و سریع بوده است. به مدد همین رشد درآمد سرانه بوده است که ترکیه طی سال‌های طولانی به دلیل سرمایه‌گذاری زیاد ایران در حوزه آموزش و بهداشت و درمان (به کمک پول نفت) به لحاظ رتبه شاخص توسعه انسانی عقب‌تر از ایران بود، در سال ۲۰۱۹ در بین ۱۸۹ کشور جهان در رتبه ۵۴ ام قرار گرفت (۱۶ پله بالاتر از رتبه ایران^۲).

نکته مهم آنکه تجربه کشورهای موفق در این زمینه دارای اشتراکات زیادی است. مهم‌ترین این اشتراکات را مبتنی بر مطالعات بین‌المللی می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد^۳:

^۱ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵

^۲ Human Development Index, 2019

^۳ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵

▪ وجود دولتی کارآمد، توسعه‌گرا و متعهد به رشد که:

- منافع ملی و بلندمدت را نسبت به منافع کوتاه‌مدت ارجح بداند.
- رشد اقتصادی را هدف‌گذاری و با سیاست‌های مناسب آن را دنبال کند (به‌طور مثال در سنگاپور پیگیری رشد اقتصادی یک اصل برای سازمان‌دهی سیاست‌های کشور طی ۴ دهه اخیر بوده است).
- وظایف حاکمیتی خود را به‌خوبی ایفا نماید و فضا و بستر لازم برای نقش‌آفرینی نیروهای بازار را فراهم آورد (به‌طور مثال دولت کره با سرمایه‌گذاری‌های زیاد در آموزش و بهداشت، زیرساخت‌ها و حمایت هدفمند از بخش‌های هدف‌گذاری شده، رشد اقتصادی بالا و پایدار را در این کشور تسریع کرد).
- تیم اداره کشور (به‌ویژه کابینه دولت) را از افراد نخبه، متخصص، شایسته و با تجربه و هماهنگ تشکیل دهد.

▪ حفظ ثبات اقتصاد کلان:

- بی‌ثباتی و عدم پیش‌بینی‌پذیری متغیرهای اقتصادی به گسترش نا اطمینانی و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری می‌انجامد و تمایل فعالان اقتصادی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های محرک رشد کاهش می‌دهد. یکی از عوامل بی‌ثباتی، تورم‌های بالا است که امنیت سرمایه‌گذاری را به مخاطره می‌اندازد. بررسی نرخ تورم ۱۳ کشوری که توانسته‌اند طی یک ربع قرن رشدهای بالا داشته باشند، نشان می‌دهد که همه این کشورها هدف‌گذاری تورم تک رقمی داشته‌اند تا ثبات را به اقتصاد کلان بازگردانند. به‌طور مثال بر اساس داده‌های بانک جهانی، تورم در کشورهای کره، مالزی و سنگاپور در سال ۱۹۸۰، به ترتیب معادل ۲۸٫۷؛ ۶٫۶۷ و ۸٫۵۳ درصد بوده که در سال ۲۰۱۹ به ۰٫۳۸؛ ۰٫۶۶ و ۰٫۵۷ درصد رسیده است. بررسی تورم همه این ۱۳ کشور در سال ۲۰۱۹، نشان از تورم‌های تک رقمی و یا نزدیک به صفر دارد. این درحالیست که کشورهای تورم‌های نزدیک به ۴۰ درصد را طی سال‌های اخیر تجربه کرده است. تورم‌های بالا باعث گردیده که بر اساس گزارش پایش محیط کسب و کار اتاق ایران، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات طی چند فصل اخیر همواره یکی از مشکلات مهم فعالان اقتصادی باشد.^۱
- ثبات اقتصاد کلان پیش‌شرط لازم برای پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری است.
- حفظ ثبات در گروهی هماهنگی نهادها و سازمان‌های تصمیم‌گیر در حوزه اقتصاد در داخل و تعامل سازنده با جهان خارج است.

▪ برخورداری از مقادیر بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری:

- کشورهای دارای رشد پایدار، از بینش آینده‌نگری برخوردار بوده و بخش عمده منابع خود را در زمان حال پس‌انداز نموده و با سرمایه‌گذاری این منابع، رشد اقتصادی را تضمین کرده‌اند. ۱۳ کشوری که توانسته‌اند نرخ رشد متوسط ۷ درصد یا بیشتر در سال را برای بیش از یک ربع قرن حفظ کنند، ۲۵ درصد تولید ناخالص

^۱ برگرفته از آمارهای بانک جهانی و گزارش پایش محیط کسب و کار اتاق ایران



داخلیشان یا بیشتر را تبدیل به سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به‌طور مثال کشور چین بیش از یک سوم درآمد ملی خود را هر ساله طی ۲۵ سال پس‌انداز کرده است. بر اساس آمارهای بانک جهانی، نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی کشور چین در سال ۲۰۱۹، حدود ۴۴ درصد بوده است. این نسبت برای کشورهای سنگاپور و مالزی به ترتیب ۴۳ و ۲۴,۴ درصد است. این دو کشور یک طرح پس‌انداز اجباری را در پیش گرفته‌اند.

▪ اصلاحات بازار مدار از طریق:

- فراهم آوردن بستر و پیش‌شرط‌های ضروری (نظیر امنیت حقوق مالکیت، شفافیت اطلاعات، تسهیل رقابت و ...) برای نقش‌آفرینی نیروهای بازار.
- اتخاذ سیاست‌هایی که محیط مساعد و مطلوب را برای انجام کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری خصوصی ایجاد می‌کند و تولیدکنندگان را در معرض فشارهای رقابتی و فرصت‌های مشارکت در اقتصاد جهانی قرار می‌دهد. دولت چین در طول ۳ دهه تنها با فراهم ساختن محیط مناسب برای فعالیت بخش خصوصی، سهم بخش خصوصی را از کمتر از ۲۰ درصد در پایان دهه ۷۰ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش داد و رشدهای بالا را تجربه کرد.

▪ بهره‌برداری اصولی از ظرفیت اقتصاد جهانی (فناوری، دانش فنی و بازارهای متنوع):

- وارد کردن ایده‌ها، دانش و فناوری روز از سایر جهان و افزایش توان بهره‌وری. به‌عنوان مثال مالزی نمونه موفق در انتقال دانش فنی در صنعت الکترونیک از طریق جذب سرمایه‌گذاری مستقیم به شمار می‌آید.
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری مشترک، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آموزش در خارج و تبادل بین‌المللی کارکنان
- بهره‌مندی از ظرفیت تقاضای جهانی، بازارهای عمیق و با کشش برای کالاهای تولیدی

▪ توسعه صادرات و اتخاذ سیاست توسعه صنعتی:

- هدف‌گذاری برای توسعه تولیدات صادرات‌محور و اتخاذ سیاست‌های مشوق تولیدات صادراتی
- اتخاذ سیاست توسعه صنعتی و تعیین بخش‌ها یا صنایع مشخص برای حمایت. اقتصادهای دارای رشد بالا، بخش‌ها یا صنایع مشخصی را از طریق اعتبار و معافیت مالیاتی، اعطای یارانه مستقیم، معافیت تعرفه وارداتی، اعطای اعتبار ارزان، احداث زیرساخت لازم و ایجاد مناطق صادراتی مورد تشویق قرار داده‌اند. نمونه این امر در اوایل دوره حرکت به سمت صنعتی شدن کشور کره جنوبی، مشاهده شده است. نکته مهم آنکه همه این حمایت‌ها هدفمند، زمان‌دار و مبتنی بر تعهد برای افزایش کارایی به‌صورت قابل‌پایز بوده است.

▪ توسعه بخش مالی:

- نظام مالی توسعه‌یافته از طریق تجهیز پس‌اندازها و تأمین مالی سرمایه‌گذاری، تحقق رشد اقتصادی مداوم را در پی دارد.

- بخش مالی کارآمد، پشتیبان سرمایه‌گذاری‌های مستمر و مولد است.

■ ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم:

- الزام و تعهد به ایجاد فرصت‌های برابر برای همه جامعه در راستای کاهش فقر، کاهش فساد مالی و دستیابی به رشد پایدار. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که اگر افراد جامعه از بهره‌مندی فرزندان‌شان از ثمرات رشد اقتصادی مطمئن باشند، برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی، انواع فداکاری‌ها را انجام می‌دهند.

■ اتخاذ سیاست توسعه منطقه‌ای از طریق:

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مناطق محروم و جذب سرمایه‌گذاران خصوصی در جهت رفع محرومیت‌ها، کاهش مهاجرت و فعالیت‌های غیررسمی و جلوگیری از رشد نامتوازن با سرمایه‌گذاری برای بهبود وضعیت روستاها. مهاجرت افراد متخصص و شرکت‌ها از مناطق کمتر برخوردار به مناطق برخوردار را می‌توان از نتایج توسعه نامتوازن منطقه‌ای برشمرد.

■ توجه ویژه به انرژی، آب و محیط زیست:

- جهت‌گیری سیاست‌ها در راستای تخریب کمتر محیط زیست و مدیریت مصرف انرژی در راستای افزایش بهره‌وری.

۵- نقش بخش خصوصی در رشد اقتصادی

■ واقعیت امروز کشور - که خود را یک روز در موضوع نوسانات بازار مرغ، روز دیگر بازار فولاد، پتروشیمی و اتومبیل و موضوع ارز حاصل از صادرات و غیره نشان می‌دهد - آن است که گروه‌های سیاسی که با نحله‌های فکری گوناگون، دولت و مجلس را در اختیار می‌گیرند، متأسفانه هیچ دیدگاه مشخصی درباره نقش مطلوب دولت و بخش خصوصی (بازار) وجود ندارند و بعضاً یا بخش خصوصی را رقیبی برای دولت می‌دانند یا تصور می‌کنند که نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند جایگزین بخش خصوصی شوند. فقدان یک چارچوب شفاف و سازگار سیاست‌گذاری که مبتنی بر علم اقتصاد و مورد اجماع سیاست‌گذاران کشور باشد، منجر به شکل‌گیری سیاست‌گذاری اقتصادی بر مبنای آزمون و خطا و توزیع رانت شده است؛ به طوری که در برخی موارد به نظر می‌رسد، سیاست‌گذاران در مورد بنیان‌ها و مفاهیم اصلی اقتصادی نیز دچار ابهام و کژفهمی هستند. درآمدهای نفتی نیز با تضعیف ارتباط بین عملکرد اقتصادی با سیاست‌های اتخاذ شده، امکان یادگیری سیاست‌گذاران از گذشته را کاهش داده و باعث شده است تا کشور در چرخه تکرار سیاست‌های نادرست باقی بماند. در کنار عوامل یاد شده، کوتاه‌نگری در عرصه تصمیم‌گیری‌های داخل حکومت که از عوامل مختلفی از جمله فقدان تحزب ناشی شده، سبب گردیده مشکلات ساختاری و بلندمدت اقتصاد ایران لاینحل باقی بماند و به دلیل برخی از تصمیمات نادرست بر عمق و وسعت آنها افزوده شود.



- بحث‌های نظری درباره نقش دولت و نقش بازار در چند دهه اخیر در جهان به همگرایی نسبی رسیده و با توجه به طرح موضوعاتی از قبیل حکمرانی شایسته و بهبود محیط کسب‌وکار، اکنون این نظر تقویت شده است که تعیین محدوده دخالت دولت در بازار بیش از آنکه جنبه ایدئولوژیک داشته باشد، جنبه فنی دارد. به عبارت دیگر هدف اصلی در هر فرایند تولیدی، کارایی است (تولید بیشترین مقدار کالا و خدمات با کمترین میزان استفاده از نهاده‌هایی مانند نیروی کار، سرمایه، زمین و انرژی و آب و ...). اگر سازوکار بازار (عرضه و تقاضا) بدون دخالت دولت بتواند کارایی را ایجاد کند - بدون آنکه موجب تخریب محیط زیست یا آسیب رساندن به حقوق دیگران شود - دولت نباید در فرایند تولید دخالتی داشته باشد. در چنین حالتی اگر بخشی از مردم نتوانند به دلیل بالا بودن قیمت بازار، کالا یا خدمت را خریداری کنند، نقش دولت صرفاً جبران کمبود قدرت خرید از طریق پرداخت‌های انتقالی است. درباره کالاها و خدمات عمومی نیز دولت‌ها باید به دنبال راه‌حلی باشند که با کمترین هزینه بتوانند خدمات عمومی مانند امنیت، آموزش، بهداشت و درمان و غیره را برای عموم مردم فراهم کنند و بخش خصوصی می‌تواند در تأمین خدمات عمومی با دولت، صرفاً «همکاری» داشته باشد.
- تجربه تاریخی نشان داده که تحقق رشد اقتصادی پایدار و مستمر، بدون وجود بخش خصوصی توانمند امکان‌پذیر نیست. دولت‌گرایی اقتصادی شاید برای یک دوره کوتاه منجر به رشد شود، اما ادامه این مسیر بدون تلاش برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد، بادوام نیست. به‌طور مثال تولید صنعتی در اتحاد جماهیر شوروی بین دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۶۰ و در کره شمالی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به سرعت گسترش یافت، اما در میانه دهه ۱۹۷۰ از نفس افتاد.^۱
- درک ضرورت وجود یک ترکیب خردمندان از دولت و بخش خصوصی، مسئله ایست که در دولت‌های گذشته تاکنون مغفول بوده و به بخش خصوصی به‌مثابه رقیب دولت طی این سال‌ها نگاه شده است. این درحالیست که نگاه به این دو باید نگاهی تکمیل‌کننده باشد و نه رقیب و در برابر هم.^۲
- نقش بخش خصوصی در دستیابی به اهداف رشد و توسعه در کشورها، طیف وسیعی از نقش‌های سنتی از قبیل ایجاد درآمدهای مالیاتی برای دولت و کمک به تأمین مالی زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی حیاتی در جامعه، اشتغال‌زایی، کاهش فقر، ارتقاء سطح زندگی، تقویت و پیشبرد نوآوری، ایفای نقش در حوزه مسئولیت اجتماعی و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی و تجاری، تا نقش‌های نوین‌تری نظیر توسعه سرمایه انسانی، ارائه راه‌حل‌های نوآورانه و جدید برای حل چالش‌های توسعه‌ای، مقابله با تغییرات اقلیمی و چالش‌های زیست‌محیطی را در برمی‌گیرد.
- توانمندسازی بخش خصوصی برای ایفای نقش‌های مزبور یکی از راهبردهای مشترک در کشورهایی بوده است که رشدهای پایدار سطح بالا داشته‌اند. برای مثال چین، سهم بخش خصوصی را از ۲۰ درصد در پایان دهه ۷۰ به بیش

^۱ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶

^۲ مومنی، ۱۳۸۶

از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۴ رساند و از این طریق به اقتصادی پویا و موفق تبدیل گردید^۱. تعداد بنگاه‌های خصوصی چین از ۹۰ هزار در سال ۱۹۸۹ به ۳ میلیون در سال ۲۰۰۳، یعنی بیش از ۳۰ برابر افزایش یافت. تعداد مشاغل انفرادی در مدت مشابه، تقریباً دو برابر شد و از ۱۲.۴۷ میلیون به ۲۳.۵۳ میلیون رسید. تعداد کسب‌وکارهای خارجی از حدود ۱۶ هزار در سال ۱۹۸۹ به ۲۲۶ هزار در سال ۲۰۰۳، یعنی تقریباً ۱۴ برابر رسید.

۶- خواسته‌ها و توصیه‌های بخش خصوصی در آستانه انتخابات

۶-۱- بایدها در سیاست‌گذاری اقتصادی

■ **بازگرداندن اعتماد به جامعه و بازسازی سرمایه اجتماعی:** اعتماد بنیان سرمایه اجتماعی است. سرمایه‌ای که اهمیت آن برای کشور ما در شرایط فعلی کمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی نیست. تا زمانی که اعتماد مردم به حکومت و رئیس‌جمهور بازسازی نشود، سیاست‌گذاری‌ها به اهداف موردنظر دست نمی‌یابند، زیرا جامعه همراهی لازم را با سیاستمداران و سیاست‌ها نخواهد کرد. اجتناب از سیاست‌های بی‌ثبات کننده (شوک‌های قیمتی، بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌ها، قوانین و سیاست‌ها و جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های بدون در نظر گرفتن نظرات بخش خصوصی)، اجتناب از دادن هرگونه وعده غیرعملی، غیر شفاف و سنجش ناپذیر، پرهیز از تشتت و آشفتگی در اظهارنظر مسئولان، دوری از شعارزدگی و شفافیت در عملکرد از جمله مواردیست که دولت جدید برای ترمیم اعتماد از دست‌رفته مردم باید به آن پایبند باشد.

■ **ارائه گزارشی آماری-تحلیلی از وضع موجود:** یکی از مقدمات اولیه سیاست‌گذاری مطلوب، شناخت و آگاهی کافی نسبت به وضع موجود است. درحالی‌که فقر آمارهای دقیق و به‌هنگام و در برخی موارد انتشار آمارهای بعضاً متناقض، نه تنها موجب شده امکان شناخت وضع موجود برای ناظرین و منتقدان و تحلیل‌گران فراهم نباشد و اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری‌های دولت در ابعاد فزاینده‌ای کاسته شود، بلکه توان برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر واقعیات نیز از سیاست‌گذاران نیز گرفته شده است. دولت جدید در اولین گام باید برای مردم شرح دهد که وضعیتی که در آن قرار داریم چه مشخصاتی دارد. این گزارش باید منصفانه و مبتنی بر آمار و ارقام واقعی باشد که بر اساس آن برنامه‌ریزی برای ۴ سال آینده امکان‌پذیر گردد. سیاست‌گذاری در فضایی مبهم با شکست همراه خواهد بود.

■ **لزوم علم‌محوری و حاکمیت قانون:** متأسفانه سال‌هاست که به ساحت علم در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصاد کشور بی‌توجهی شده است. عدم توجه به علم و تجارب گذشته، به سیاست‌های کوتاه‌نگرانه و پرهزینه برای کشور انجامیده که به قیمت خسارات جبران‌ناپذیر برای کل جامعه تمام شده است. در کنار علم‌محوری، حاکمیت قانون نیز جزء حلقه‌های مفقوده سال‌های اخیر در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی بوده و هزینه‌های عظیمی به بخش خصوصی و جامعه از این زاویه تحمیل گردیده است. انتظار می‌رود کابینه جدید نسبت به جایگاه قانون و تمکین به آن مقید باشد.



■ **هدف‌گذاری و تمرکز بر اهداف اقتصادی مهم اما محدود:** طبیعی است که ظرفیت اجرایی دولت‌ها محدود است و دستیابی به همه اهداف خوب در طول ۴ سال برای دولت جدید امکان‌پذیر نیست. در بین همه اهداف اقتصادی، مهار پایدار تورم و ایجاد رشد و اشتغال باید در اولویت اصلی برنامه‌های دولت قرار گیرد. رکود تورمی عمیق باعث گسترش فقر در کشور شده است. پدیده تورم‌های دورقمی، سرمایه‌گذاری را از بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا به سرمایه‌گذاری‌های سفته‌بازانه سوق می‌دهد و تولید و اشتغال را با محدودیت همراه می‌سازد. دولت‌های گذشته اما به‌جای اتخاذ یک رویکرد علمی برای ریشه‌یابی تورم، با برخوردهای تعزیراتی و شبه امنیتی (اخیراً هم ایده مالیات ستانی مطرح شده است)، تلاش به کنترل قیمت‌ها داشته‌اند. مقابله با تورم از طریق سرکوب قیمت‌ها تا زمانی که ریشه‌های اصلی تورم خشکانده نگردد، شاید درمانی موقتی باشد اما در میان‌مدت و بلندمدت اثربخش نخواهد بود.^۱ ممانعت از اتخاذ سیاست‌های بی‌ثبات ساز و وارد ساختن شوک به قیمت‌های کلیدی، انضباط مالی دولت و جلوگیری از دست‌اندازی به منابع سیستم بانکی و بانک مرکزی، اصلاح نظام بانکی کشور و نظارت بر عملکرد آن از جمله اقدامات اولویت‌داری هستند که در این باره می‌توان به آن اشاره کرد.

از طرف دیگر دولت آینده باید برای رشدی که بتواند سالانه حداقل یک میلیون شغل ایجاد کند، برنامه‌ریزی داشته باشد. این رقم معادل رقمی است که طی یک دهه آینده در هر سال به جمعیت ۲۵ تا ۶۵ ساله کشور اضافه خواهد شد. متأسفانه در ۱۶ سال اخیر جمعاً ۳ میلیون شغل خالص در کشور ایجاد شده؛ درحالی‌که ۱۷ میلیون نفر به جمعیت ۲۵ تا ۶۵ ساله کشور اضافه شده است. رشد اقتصادی دهه ۹۰، نزدیک به صفر بوده و دهه پیش از آن نیز با اینکه رشد ۴،۴۵ درصد را تجربه کردیم، اما بر اساس آمار و ارقام موجود می‌توان نتیجه گرفت که این میزان رشد نیز ظرفیت‌های اشتغال‌زایی اندکی را برای کشور به ارمغان آورده است.^۲ بررسی آمارهای سازمان برنامه‌بودجه حاکی از آن است که خالص ایجاد اشتغال برای جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷، در برخی از سال‌ها منفی بوده است. به‌طور مثال در سال ۱۳۸۷ خالص ایجاد اشتغال منفی ۵۹۲ هزار نفر بوده است. در بهترین حالت نیز نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر در سال ۹۶ شغل خالص ایجاد شده است.^۳ لذا رشد اقتصادی اشتغال‌زا باید در اولویت‌های اصلی اقتصادی دولت آینده باشد و این هدف از طریق هماهنگ‌سازی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری در جهت تقویت بنیه تولیدی، اصلاح محیط کسب‌وکار، تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و مبارزه با رانتجویی امکان‌پذیر است.

■ **اتخاذ دیپلماسی اقتصادی قوی و تعامل سازنده با کشورهای دنیا:** خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها، باعث شد تعاملات ایران با شرکای خارجی دچار مشکل گردد و فرصت‌هایی که برای تجارت و سرمایه‌گذاری از این کانال وجود داشت، به‌شدت تضعیف شود. عملکرد نامناسب اقتصاد در یک دهه اخیر در زمینه مراودات بین‌المللی، از طرفی باعث کم‌رنگ شدن نقش اقتصاد ایران در جهان و از طرف دیگر کاهش رفاه در کشور شده است. در دوره

^۱ مروی، ۱۴۰۰

^۲ مروی، ۱۴۰۰

^۳ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۷

چهار ساله پیش‌رو اتخاذ یک چشم‌انداز جدید که در آن تعاملات اقتصادی فعال با هدف توسعه اقتصادی و استراتژی برد-برد محور اصلی تعاملات ایران با جهان باشد، باید یک ضرورت و نه یک گزینه باشد.

این چشم‌انداز باید آگاهانه و بر پایه واقعیت‌های موجود در حوزه ژئوپولیتیک منطقه صورت بگیرد. ظهور اوراسیای جدید در قالب ابتکار کمربند راه چین و شکل‌گیری زنجیره ارزش چینی در امتداد این مسیر، احیای نقش ژئوپولیتیک روسیه با تکیه بر تسلط این کشور بر منطقه اوراسیا، بازگشت آمریکا به راهبرد رهبری دنیا بعد از انتخاب بایدن و تلاش اروپا برای افزایش نقش‌آفرینی در منطقه خاورمیانه از طریق احیای ائتلاف با ایالات متحده و البته تغییر نگرش کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در برقراری روابط دوستانه با رژیم اشغالگر اسرائیل، همگی نه تنها روابط سیاسی کشورها را دچار تغییر می‌کند، بلکه پیامدها و تحولات تعیین‌کننده‌ای در روابط اقتصادی و تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای به همراه خواهد داشت.^۱ نقش‌آفرینی مثبت و اتخاذ دیپلماسی اقتصادی قوی ایران در تحولات پیش‌رو می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی را در راستای جبران عقب‌ماندگی‌های تجاری و اقتصادی، ارتقای جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی و افزایش امنیت اقتصادی کشور فراهم سازد.

■ **مقابله اصولی با فساد:** رواج فساد در لایه‌های میانی و پایینی دستگاه‌های دولتی و اخذ تصمیمات و سیاست‌های فساد آفرین در سطوح بالای دولت، باعث اتلاف منابع هنگفتی در کشور شده است. فساد گسترده نشان از بحران شفافیت در فرآیندهای تخصیص منابع دارد. از این‌رو مقابله جدی با فساد از دیگر محورهایی است که دولت آینده با همراهی قوه قضائیه و قوه مقننه باید در دستور کار خود قرار دهد. تدوین برنامه ملی و جامع مبارزه با فساد بر محور توسعه دولت الکترونیک و نظارت بر کانال‌های اصلی بروز فساد یعنی تخصیص تسهیلات بانکی ارزان قیمت و با شرایط ویژه و به افراد ذی‌نفع، تخصیص دلارهای نفتی، واگذاری اموال دولتی، برگزاری مناقصات، نظارت بر عملکرد گمرکات، حذف امضاهای طلایی و ساده‌سازی قوانین پایه باید در اولویت دولت آینده باشد.

■ **تدوین استراتژی توسعه صنعتی:** استراتژی توسعه صنعتی به‌مثابه نقشه راه صنعت و فعالان اقتصادی عمل می‌کند. دولت نیز در سیاست‌گذاری‌ها، اعمال حمایت‌ها، جهت‌گیری‌های اقتصادی و جلوگیری از اتلاف منابع، نیازمند یک برنامه راهبردی و جامع است. دهه‌هاست که کشور هزینه‌های هنگفتی بابت حمایت‌های غیر هدفمند از بخش‌ها و صنایع پرداخت کرده و در اغلب موارد نیز این حمایت‌ها نتیجه اثربخش و دستاوردهای توسعه‌ای نداشته است. هنوز تصمیم‌گیران کشور به‌درستی نمی‌دانند که سرمایه‌ها به کدام صنایع باید هدایت شوند و کدام بخش‌ها در اولویت حمایت نیستند. بر اساس مطالعات آینده‌نگرانه، کدام صنایع باید در کشور شکل بگیرند (خلق مزیت) و کدام‌ها باید از گردونه فعالیت خارج شوند. تا زمانی که یک سند بالادستی با همراهی نخبگان، فعالان اقتصادی و سیاستگذاران تدوین نگردد، منابع کشور به‌صورت کور، غیر هدفمند و بر اساس ملاحظات کوتاه‌نگرانه هدایت می‌شود و ثمره قابل قبولی هم برای ایران نخواهد داشت.



▪ **توانمندسازی بخش خصوصی:** ملاک اصلی توانمندسازی بخش خصوصی، ایجاد محیط کسب و کار امن، باثبات و پیش‌بینی‌پذیر است که حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران تضمین گردد و قراردادها توسط قانون حمایت شود. از دولت جدید این انتظار می‌رود که به‌منظور توانمندسازی بخش خصوصی، برنامه‌های خود را معطوف به جدایی نسبی عرصه اقتصاد از عرصه سیاست نماید. هرچه بنگاه‌های اقتصادی سیاست‌زده باشند و مورد دست‌اندازی سیاستمداران و اصحاب قدرت قرار گیرند، جذابیت سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی کم می‌شود. کارآفرینان باید اطمینان داشته باشند که اگر سرمایه خود را به خطر انداختند و وارد عرصه‌های مولد کردند، کسب و کارشان به بهانه‌های مختلف مورد تعرض قرار نمی‌گیرد. در این راستا توصیه می‌شود:

- ✓ برنامه‌ریزی برای کاهش تحریم‌های اقتصادی از حیث اثر منفی که هم بر ثبات متغیرهای کلان و هم بر فرایند تولید و افزایش قیمت تمام شده بنگاه‌ها دارند. تحریم‌ها کمترین کاری که می‌کنند این است که کشور را به لحاظ فناوری عقب نگه می‌دارند و موجب می‌شوند دسترسی و حضور آن در بازارهای فناورانه کمتر و کمتر شود و به تدریج مزیت نسبی کشور به کالاهای ساده و کم‌ارزش منحصر شود.^۱
- ✓ تعیین شیوه قیمت‌گذاری نهاده‌های تولید بر مبنای یک رابطه بلندمدت و لحاظ منافع مصرف‌کننده و تولیدکننده هم‌زمان
- ✓ افزایش استقلال بانک مرکزی در سیاست‌گذاری‌ها، به‌نحوی که بانک مرکزی سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری را بر اساس مصالح اقتصادی تنظیم و اجرا نماید و نسبت به نتایج آنها پاسخگو باشد.
- ✓ اجتناب از وارد ساختن شوک به قیمت‌های کلیدی مانند حامل‌های انرژی و ارز و جلوگیری از اجرای سیاست‌های تورم‌زا در یک افق زمانی مشخص و به‌جای آن تعیین مسیر میان‌مدت برای اصلاح این‌گونه قیمت‌ها
- ✓ به‌کارگیری نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها؛ اگرچه نظرات بخش خصوصی و تشکل‌های مربوطه در تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها، آئین‌نامه‌ها و رویه‌های اجرایی، مطابق مواد (۲)، (۳) و (۲۴) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار اخذ می‌شود، اما با توجه به تجربه‌های موجود در غالب موارد صرفاً نظرات استماع می‌شود و در عمل دستگاه‌های اجرایی به این نظرات در تدوین بخشنامه‌ها و غیره توجهی نمی‌کنند.
- ✓ ممانعت حداکثری از تصویب قوانین جدید و نظارت کارآمد بر حسن اجرای صحیح قوانین و مقررات موجود. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد بیش از قانون، اصلاح رویه‌های اجرایی در بهبود محیط کسب و کار مهم هستند و راهکار اصلی ساده‌سازی رویه‌ها، توسعه دولت الکترونیک است.
- ✓ طراحی و استقرار سامانه افشای فساد در سازمان‌ها و نهادهای درگیر با فعالان اقتصادی استقرار و تدوین قانون حمایت از افشاگران به‌منظور فراهم شدن زمینه افشای فسادها و رشوه‌گیری‌ها در دستگاه‌های دولتی توسط مردم.
- ✓ رفع سیاست‌های تبعیض‌آمیز بین دولت و نهادهای عمومی غیردولتی با بخش خصوصی و الزام به رعایت ماده (۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴. بر مبنای این ماده هر امتیازی برای بنگاه‌های دولتی مقرر شود، عیناً و با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی هم در نظر گرفته شود.

✓ شفاف‌سازی دلایل ترک تشریفات مناقصه در قراردادهای دولتی مطابق با ماده (۲۱) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار.

✓ تخصیص بخشی از منابع حاصل از تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از محل جهش‌های ارزی احتمالی، به منظور پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز برای تسهیلات گیرندگان ارزی با مشخص کردن شرایط سرمایه‌گذاران واقعی.

■ **تقسیم کار مناسب بین بخش خصوصی، دولت و نهادهای عمومی غیردولتی:** همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، حضور بخش خصوصی در نیل به توسعه یک ضرورت است. ساختار فعلی اقتصاد ایران نقش بخش خصوصی را به‌عنوان موتور اصلی ایجاد شغل تضعیف کرده است.^۱ اگر مسیر توسعه کشور از بخش خصوصی می‌گذرد، این بخش باید نسبت به سیاست‌های میان‌مدت اقتصادی اطمینان داشته باشد، بتواند در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی مشارکت کند، از مدیران اقتصادی بین‌المللی در مدیریت کسب و کارهای خود استفاده کند، به منابع ارزی و بانکی داخلی و خارجی دسترسی داشته باشد و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جایگاه مناسب داشته باشد. همچنین از رقابت‌های غیرمنصفانه بین نهادهای عمومی غیردولتی با بخش خصوصی و شرایط ناعادلانه در قراردادهای دستگاه‌های اجرایی با فعالان اقتصادی ممانعت شود. توصیه مؤکد مقام معظم رهبری به نهادهای عمومی غیردولتی آن است که در کارهای اقتصادی مطلقاً رقیب بخش خصوصی نشوند و جداً از رقابت با بخش خصوصی پرهیز کنند. لذا دولت آینده باید با بهره‌گیری از این فرمایش مقام معظم رهبری، فضا را برای نقش‌آفرینی بخش خصوصی واقعی فراهم سازد.

■ **بهره‌مندی از ظرفیت‌های بخش خصوصی در تکمیل و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی ناتمام:** تجربه کشورهای پیشرفته نشان داده که یکی از مهم‌ترین روش‌های حضور بخش خصوصی در اقتصاد، توسعه قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی در ایجاد و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی زیرساختی بوده است که لازمه تحقق این مهم در کشور نهادسازی و تدوین قانون جامع و مانع در این حوزه است. تعداد بالای پروژه‌های نیمه‌تمام، دوره زمانی نسبتاً طولانی برای تکمیل این طرح‌ها و هزینه‌های اجرایی مربوطه، بار مالی سنگینی را به کشور تحمیل کرده است. طراحی سازوکاری شفاف و قابل اجرا برای مشارکت بخش خصوص با بخش عمومی در اجرای طرح‌های عمرانی ناتمام و جدید ضمن حل مشکلات یاد شده، به‌واسطه تسریع در ایجاد زیرساخت‌های پشتیبان تولید، شرایط را برای ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی تسهیل می‌کند. با توجه به آنکه مطابق آمار منتشر شده توسط سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۴۰۰ تعداد ۱۹۹ پروژه ملی و ۶۶۸ پروژه استانی با قابلیت مشارکت عمومی و خصوصی شناسایی شده است^۲، لذا یکی از راه‌های بهره‌مندی از ظرفیت‌های بخش خصوصی، اهتمام دولت و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه است. اگر بسترهای لازم و قوانین کارآمدی مبتنی بر اصول و شیوه‌های نوین مالی برای به‌کارگیری و مشارکت سرمایه‌های بخش عمومی و خصوصی فراهم شود، ضمن

^۱ World Bank, 2020

^۲ سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۹



تقویت و ارتباط پایدار بین این دو بخش، شاهد شکوفایی و رشد اقتصادی مستمر در کشور خواهیم بود. شایسته ذکر است که لایحه فعلی که در مجلس درباره این موضوع در دست بررسی است نیازمند اصلاحات اساسی است.

■ **مشارکت همه ذینفعان (بخش خصوصی، نخبگان دانشگاهی، جامعه مدنی و مشارکت تمام سطوح استانی و منطقه‌ای) در فرآیند تدوین برنامه هفتم توسعه:** نقطه تمایز تدوین برنامه هفتم توسعه با برنامه‌های قبلی آن است که دولت با محدودیت‌های درآمدی گسترده‌ای مواجه است. از این رو، انتظار بخش خصوصی از دولت آینده، تدوین یک برنامه مساله‌محور، واقع‌بینانه و اولویت‌محور بر مبنای وفاق ملی و مشارکت تمامی ذینفعان از جمله بخش خصوصی است، تا با ایجاد تحولات اساسی در ساختارها و سازوکارهای تدوین و اجرای برنامه، بسترساز تحقق اهداف مهمی نظیر جهش آفرینی در تولید، بهبود چشمگیر در وضعیت رفاه و معیشت خانوارها و ثبات بخشی به اقتصاد کشور ایجاد گردد و از این گذر الزامات پایه‌ای نیل به توسعه فراهم آید.^۱

■ **تعمیق بازار سرمایه و حمایت آن از تولید و سرمایه‌گذاری:** انتظار بخش خصوصی از بازار سرمایه، تأمین مالی بنگاه‌ها است. تعمیق بازار سرمایه به آن معناست که بازیگران بیشتر و سرمایه فزون‌تری به این بازار سرازیر شود تا نوسانات و هیجانات آن کمتر شود. در حال حاضر انحصار شدیدی در اعطای مجوز فعالیت در بخش‌های مختلف اعم از کارگزاری، سبدگردانی، شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، تأمین سرمایه و ... وجود دارد. وجود انحصار و تبانی در قیمت ارائه خدمات موجب شده تا مردم برای حضور در بازار سرمایه هزینه زیادی بپردازند و سود غیرمعارفی نصیب دارندگان مجوزهای انحصاری شود. انتظار می‌رود دولت آینده سازوکارهای نظارتی قوی بر این بازار را فعال کند و نهاد ناظر با کشف تقلب و تبانی و گرفتن جریمه‌های مالی سنگین از متقلبان، منابع مالی تجمیع شده در این بازار را به سمت فعالیت‌های مولد سوق دهد و با استفاده از ظرفیت‌های این بازار تا حدی مشکل تأمین مالی واحدهای تولیدی مرتفع گردد.^۲ تغذیه بخش تولید از منابع بازار سرمایه در شرایط فعلی، همچنین در گرو تسهیل شرایط ورود شرکت‌های جدید و آسان نمودن شرایط افزایش سرمایه به‌ویژه به قیمت‌های بازار است.

۶-۲- نباید‌ها در حوزه سیاستگذاری اقتصادی

■ **کنترل میل شدید به سندنویسی:** تمایل بسیار بالایی در بین مسئولان و سیاست‌گذاران ایران برای تدوین اسناد بالادستی و راهبردی و قانون و آئین‌نامه و ... وجود دارد. متأسفانه تجربه چند دهه اخیر نشان داده است که این اسناد تدوین شده عموماً فاقد برنامه‌های علمی عملیاتی و راهکارهای کاربردی بوده‌اند و بیشتر به کلیات و اهداف ایده‌آل پرداخته‌اند و سیاستمداران نیز به انگیزه اعلان حل موضوع به دنبال تصویب آن‌ها هستند. پیشنهاد می‌شود دولت جدید با توجه به وجود اسناد بالادستی معتبر و قانونی در کشور از تدوین اسناد جدید و کلی، تا حد ممکن خودداری کند. شایسته ذکر است، فقدان سند استراتژی توسعه صنعتی به‌مثابه نقشه راه توسعه صنعتی کشور، یک عامل اصلی در تدوین و تصویب انواع گوناگونی از اسناد و قوانین به‌صورت موردی بوده است. در واقع دولت‌های

^۱ صمدیان و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۹

^۲ سرزعیف، ۱۴۰۰

مختلف همواره به‌جای اهتمام به تدوین سند استراتژی صنعتی، سعی بر آن داشته خلا مذکور را با تدوین و تصویب قوانین و مقررات متعدد پوشش دهند، درحالی که پیگیری این رویکرد نیز نتوانسته است جای خالی این سند را در سیاستگذاری موفق برای حمایت از تولید پرکند و در عمل تورم قوانین و میل شدید به سند نویسی را به همراه داشته است.

■ اجتناب از ناهماهنگی اعضای کابینه دولت، مدیران سازمان‌ها و وزارتخانه‌های اقتصادی: تجربه

دولت‌های بعد از انقلاب نشان می‌دهد یکی عوامل مهم ناکارآمدی و آسیب‌پذیری دولت‌ها در اجرای سیاست‌های اقتصادی، ناهماهنگی و عدم توافق وزرا و مدیران تأثیرگذار در اجرای سیاست‌های مورد نظر بوده است. این تضادهای فکری که عموماً به عرصه رسانه‌ها نیز کشیده شده است، نه تنها کارآمدی سیاست‌ها را در عمل با مشکل روبه‌رو می‌کند، بلکه اعتبار تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را نزد افکار عمومی کاهش می‌دهد و باعث عدم همراهی مردم با این سیاست‌ها می‌شود. به دولت آتی توصیه می‌شود که تصمیم‌گیران اصلی اقتصادی دولت از جمله رئیس سازمان برنامه‌بودجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صمت، رئیس کل بانک مرکزی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را از بین افراد هماهنگ انتخاب کند تا از تشتت آرا و ناهماهنگی سیاست‌های اقتصادی دولت جلوگیری شود.

■ اجتناب از رویکردهای غیر شفاف و محرمانه انگاری مشکلات اقتصادی کشور: استمرار رکود تعمیق

یافته به همراه تورم افسار گسیخته، فشار سنگینی به بیشتر مردم وارد کرده است و قاطبه شهروندان ایران این مشکلات را به‌صورت روزمره لمس می‌کنند. اتخاذ رویکردهای مخفی‌کارانه و عدم انتشار آمار و داده‌های اقتصادی شفاف و ارائه گزارش‌های نمایشی، تنها باعث کاهش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی دولت جدید خواهد شد. بر اساس اطلاعات ارائه شده در گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار «فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی» طی ۱۸ فصل از پاییز سال ۱۳۹۵ تا زمستان ۱۳۹۹، با میانگین ۶,۳۱ از جمله مشکلات مطرح شده توسط فعالان اقتصادی عنوان شده است که جای تأمل دارد^۱. بنابراین توصیه می‌شود دولت جدید ارائه یک گزارش واقع‌بینانه و شفاف از وضعیت اقتصادی، محدودیت‌ها و درآمدهای قابل تحقق به‌صورت عمومی منتشر کند. این امر می‌تواند هم انتظارات از دولت را منطقی‌تر سازد و هم می‌تواند به بازسازی رابطه دولت-ملت بیانجامد. علاوه بر این انتشار منظم داده‌های اقتصادی می‌تواند به پژوهشگران و کارشناسان برای ارائه راه‌حل‌های علمی و مشارکت در روند سیاست‌گذاری در دولت کمک کند.

■ اجتناب از اقدامات توزیعی صرف و مغفول ماندن تولید: نزدیک به نیم قرن است که مسئولان دولتی،

با سیاست‌گذاری‌های نادرست به نام تولید، اقتصاد ملی را دچار دور باطل پول‌پاشی، ارزپاشی و اتلاف منابع کرده‌اند. متأسفانه آنچه تحت عنوان حمایت از تولید طی دولت‌های مختلف شاهد بوده‌ایم، توزیع انواع منابع ارزان، بدون شناسایی موانع عمده پیش‌روی کسب‌وکارها بوده است. این نحوه حمایت، ضمن آنکه فسادزا بوده، به اعطای

^۱ برگرفته از گزارش پایش محیط کسب و کار اتاق ایران



اعتبارات و منابع ارزان، کور و غیر هدفمندی منجر گشته که رشد اقتصادی را هم در پی نداشته و به شکل سیاست‌های پولی انبساطی، افزایش پایه پولی و نقدینگی خود را نشان داده است. در عمل نیز اجرای چنین سیاست‌هایی حاصلی نداشته جز آنکه به تورم دامن زده و موجب شده دولت‌ها برای مدیریت تورم به افزایش واردات اقدام نمایند و از این گذر نیز ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره تولید کشور وارد کرده‌اند. بر اساس برآوردهای انجام گرفته توسط مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۶، هر ۵۰ هزار میلیارد تومان پول پاشی در بودجه دولت، در سال اول حداقل اثر تورمی معادل ۶٫۴ درصد به همراه دارد^۱. از این رو، واكای تجارب نه‌چندان موفق گذشته حاوی این پیام برای سیاست‌گذاران و مسئولان دولتی است که مسیر ارتقای ظرفیت‌های تولیدی و اشتغال‌زایی اقتصاد کشور از رفع موانع کسب‌وکار می‌گذرد و پول‌پاشی و اقدامات و شعارهای توزیعی، بدون توجه به بهبود محیط کسب‌وکار، در غالب موارد به هدر رفت منابع منجر می‌گردد. از این رو انتظار می‌رود دولت آتی از طریق اهتمام به رفع موانع پیش‌روی فعالیت‌های تولیدی و پرهیز از اجرای سیاست‌های توزیعی بی‌ضابطه که رانت گسترده‌ای را برای عده‌ای محدود ایجاد می‌کند، به تولید اولویت دهد.

۷- کلیات بسته سیاستی پیشنهادی

با توجه به مراتب یاد شده **کلیات بسته سیاست‌های پیشنهادی اتاق ایران** به دولت آتی در راستای رشد اقتصادی پایدار و اشتغال‌زایی به شرح زیر است:

خصوصی‌سازی

- مدیریت شرکت‌ها (بدون انتقال مالکیت) برای دوره‌ای معین طی یک قرارداد شفاف که به صورت علنی منتشر خواهد شد، به بخش خصوصی یا یک کنسرسیوم حائز اهلیت در قبال اخذ ضمانت‌های شفاف واگذار شود. در مقابل، دولت در قرارداد فوق متعهد شود که از دخالت‌ها در اداره امور بنگاه‌های فوق پرهیز نماید.
- دولت از مداخله در قیمت‌گذاری محصولات بنگاه‌ها به ویژه بنگاه‌هایی که به روش فوق مدیریت آنها واگذار شده خودداری کند و در صورت لزوم شورای رقابت طبق قانون در این خصوص ورود کند. اگر بخشی از مردم نتوانند به دلیل بالا بودن قیمت یک کالا یا خدمت که طبق فرایند رقابتی در حال تولید است را خریداری کنند، نقش دولت جبران کمبود قدرت خرید از طریق پرداخت‌های انتقالی است و نه دخالت در فرایند تولید یا قیمت‌گذاری. عدم رعایت همین قاعده، ریشه بسیاری از ناکارآمدی‌ها و گسترش فساد در کشور است.
- واگذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط به روش فوق در اولویت واگذاری نسبت به بنگاه‌های بزرگ قرار گیرند.
- شورای رقابت تمام آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی را که پیش از این تصویب شده و با کارکرد رقابتی شرکت‌های تضاد دارند، بررسی و برای اصلاح به دولت تقدیم کند.

^۱ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶

- نهادهای عمومی غیردولتی موظف شوند تا بنگاه‌های اقتصادی که خارج از حیطه مأموریت‌های خود در تملک دارند را ظرف ۳ سال از طریق عرضه در بازار بورس یا پیمان مدیریتی، واگذار کنند.

سیاست‌های ارزی

- هدف اصلی سیاست ارزی میان‌مدت کشور، تقویت قدرت رقابت‌پذیری ملی و توسعه صادرات قرار گیرد. در این جهت لازم است که بانک مرکزی (با هماهنگی وزارتخانه‌های صمت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه‌وبودجه) اختیارات لازم را داشته باشد و در مقابل اقدامات خود، پاسخگو هم باشد.
- به‌منظور مصون‌سازی بازار ارز از وقوع شوک‌های ارزی و جلوگیری از رفتار سوداگرانه در بازار ارز، بانک مرکزی بر روی ذخایر ارزی خود هدف‌گذاری کند، به‌طوری‌که میزان منابع ارزی بانک مرکزی همواره از آستانه تعریف شده برای مقابله با شوک‌های ارزی بیشتر باشد.
- در صورت ادامه شرایط تحریمی اقتصاد، تخصیص ارزهای بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی به واحدهای تولیدی به‌منظور واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز در فرآیند تولیداتی که یا زنجیره‌های ارزش در کشور را تکمیل می‌کنند و یا مزیت‌های صادراتی دارند، در اولویت ارزی کشور قرار گیرد. اعلان منظم ارزهای تخصیص داده شده به بخش‌ها و شرکت‌های مختلف و نحوه استفاده از آنها، مشترکاً بر عهده وزارت صمت، بانک مرکزی و گمرک قرار گیرد (حداقل هر شش ماه یکبار).
- پیمان‌سپاری ارزی به شکل کنونی با اولویت ارزهای حاصل از صادرات محصولات کشاورزی و فرش و صنایع دستی، خدمات فنی و مهندسی و صادرات محصولات با فن‌آوری بالا لغو شود و بانک مرکزی موظف شود سازوکارهای لازم را برای تضمین ورود ارزهای کلیه صادرکنندگان به چرخه اقتصادی کشور متناسب با سیاست ارزی و سیاست تجاری کشور طراحی و اجرا کند.
- در تمامی قراردادهای سرمایه‌گذاری که بخشی از سرمایه‌گذاری به شکل ارزی است (از محل دارایی‌های خارجی بانک مرکزی یا صندوق توسعه ملی)، دولت متعهد شود که در صورت جهش نرخ ارز، بخشی از منابع حاصل از تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و تجدید ارزیابی دارایی‌های ارزی صندوق توسعه ملی را صرف تسویه بدهی سرمایه‌گذاران کند. صرفاً سرمایه‌گذارانی مشمول این امتیاز خواهند بود که به تعهدات خود طبق قرارداد عمل کرده‌اند و کل منابع ارزی دریافتی را با تأیید بانک مرکزی و وزارت صمت صرف سرمایه‌گذاری در کشور کرده‌اند.
- گزارش بدهی‌های خارجی کشور اعم از فاینانس، خط اعتباری و سایر انواع روش‌های تأمین مالی خارجی که توسط فعالان اقتصادی اعم از دولتی، غیر دولتی و بانکی ایجاد شده است، به همراه گزارش تحلیل پایداری بخش خارجی^۱ هر شش ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی ارائه شود، تا با اطلاع و نظارت مستمر مجلس، کشور در معرض بحران بدهی‌های خارجی قرار نگیرد.

¹ External Sustainability Analysis



توسعه صادرات

- استراتژی توسعه صادرات، یکی از راهبردهای دولت برای رشد زایی قرار گیرد و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، وزارت صمت و وزارت امور خارجه موظف شوند که تمامی آئین‌نامه و ضوابط خود و سازمان‌های تابعه را ظرف مدت شش ماه با هدف تسهیل امور صادرکنندگان در داخل و خارج از کشور تغییر دهند و اعلان عمومی نمایند.
- با هدف جهش صادرات غیر نفتی به حداقل دو برابر زمان شروع کار دولت جدید و تغییر تدریجی ترکیب صادرات کشور از صادرات مواد خام یا کالاهای با ارزش افزوده اندک به صادرات با ارزش افزوده بالا، وضع هرگونه محدودیت بر صادرات به بهانه کنترل قیمت‌های داخلی، تنظیم بازار و غیره در ظرف چهار ساله فعالیت دولت ممنوع شود. در مقابل دولت برنامه چهار ساله اصلاح تدریجی قیمت نهادهای مورد استفاده در تولید محصولات صادراتی (انرژی، آب و غیره) را اعلان و اجرا کند.
- سیاست تجاری کشور (هم از منظر واردات و هم از حیث صادرات) در دوره چهار ساله مشترکاً توسط وزارت صمت و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و اعلان شود. توصیه اکید اتاق ایران آن است که ارزهایی که به قیمت زندگی دشوار آحاد مردم در چند سال اخیر، در نقاط مختلف دنیا به صورت اجباری پس‌انداز شده است، صرف سرمایه‌گذاری برای تکمیل زنجیره‌های تولیدی شود که کشور در آنها مزیت صادراتی دارد. بازار بزرگ کشور نباید به راحتی در اختیار کالاهای نهایی ساخت دیگر کشورها قرار گیرد. در مقابل، منابع مسدود شده در دوران تحریم که احتمالاً آزاد می‌شوند بایستی به صندوق توسعه ملی واریز شده و صرف سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی داخلی با شرکت‌های بزرگ خارجی برای تکمیل زنجیره‌های ارزش داخلی و نیز تقویت تولیدات صادرات‌گرا شود. به این ترتیب، تحولی مهم در اشتغال و صادرات و در نتیجه بهبود پایدار زندگی مردم بوجود خواهد آمد.
- صادرات خدمات فنی و مهندسی یکی از مزیت‌های عمده کشور است. برای استفاده از این ظرفیت، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شود که برای کلیه قراردادهای صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی را مستقیماً یا از طریق بانک توسعه صادرات و صندوق ضمانت صادرات (حسب درخواست کشوری که کار در آن انجام خواهد شد)، بدون وثیقه یا با حداقل وثیقه، ضمانت‌نامه صادر کند و ریسک‌های غیرمتعارف صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی را پوشش دهد.
- نواقص و کاستی‌های سامانه پنجره واحد تجارت در راستای الکترونیکی کردن کامل فرآیند تجارت خارجی و کاهش زمان انجام تشریفات گمرکی، اصلاح و رفع گردند.
- استانداردهای اجباری و تشویقی تعریف شده توسط سازمان ملی استاندارد در حوزه‌های صادرات و واردات به صورت مرتب با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داده شوند و به سرعت اعلان عمومی شوند.
- امکان استفاده از بیمه‌نامه و سفته به جای تضامین صادرات برای جلوگیری از کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی و سوق یافتن منابع از بخش‌های مولد به سیستم مالی کشور فراهم شود.

- امکان حضور تجار بخش خصوصی به‌عنوان رایزن بازرگانی در خارج از کشور فراهم شود. در برخی کشورها بیش از نیمی از سیاستگذاران امور خارجه دارای تحصیلات و تجربه اقتصادی هستند.

تکمیل طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام و توسعه مشارکت عمومی و خصوصی (PPP)

- لایحه مشارکت عمومی - خصوصی با رویکرد امکان‌پذیر کردن ترکیب منابع بخش خصوصی داخلی و خارجی، صندوق توسعه ملی و منابع عمومی برای اجرای طرح‌های بزرگ زیرساختی که بازدهی اقتصادی دارند اصلاح شود.
- دولت ظرف شش ماه، پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی و طرح‌های جدید قابل واگذاری یا انجام به روش مشارکت عمومی و خصوصی را با مشخصات کاملی که ارزیابی آنها را برای سرمایه‌گذاران امکان‌پذیر کند و شرایط خود را اعلان عمومی نماید. کلیه شرایط سرمایه‌گذاری از قبیل تغییر کاربری بخشی از طرح، قیمت خرید محصولات یا خدمات و غیره باید برای در سامانه بازار الکترونیک طرح‌های عمرانی قابل دسترسی برای عموم باشد.

چابک سازی نظام اداری

- دولت متعهد شود در دو سال اول فعالیت خود حداقل ۵۰ درصد از فرایندهای اداری که اکنون نیاز به مراجعه حضوری مردم دارد را با توسعه دولت الکترونیک از این طریق تغییر دهد. در اجرای این کار، فعالیت‌های مربوط به مراحل انجام کسب‌وکار در اولویت قرار گیرند به‌گونه‌ای که فرایند ثبت شخص حقوقی بر پایه امضای الکترونیکی تا پایان سال اول به‌صورت کامل قابل انجام باشد.
- برنامه مقررات‌زدایی به‌منظور دستیابی به دولت چالاک و کارا، تسهیل فرآیندهای مربوط به ورود، تداوم و خروج بنگاه‌های اقتصادی و کاهش مراکز تصمیم‌گیری در خصوص مجوزهای مورد نیاز برای شروع فعالیت‌های اقتصادی پیگیری و تسریع شود. برای این منظور، نماینده ویژه رئیس‌جمهور، به‌عنوان رئیس کارگروه مقررات‌زدایی تعیین شود و وی اختیار داشته باشد که پس از نهایی کردن فرآیند احصاء مجوزهای لازم، نسبت به پالایش و حذف مجوزهای غیرضرور با همکاری سایر دستگاه‌ها و بخش خصوصی اقدام کند.

توسعه بازار سرمایه

- سازمان بورس و اوراق بهادار ظرف یک سال امکان رتبه‌بندی شرکت‌های مختلف، کوتاه کردن فرآیند انتشار اوراق تأمین مالی، کاهش هزینه‌های انتشار و کاهش حداقل میزان تعریف شده برای تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بدهی، امکان تأمین مالی از طریق این ابزار را برای شرکت‌های مختلف فراهم سازد.
- از طریق رفع انحصار در اعطای مجوز فعالیت در بخش‌های مختلف اعم از کارگزاری، سبد گردانی و شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، به تعمیق بورس کمک شود.
- امکان افزایش عرضه اولیه سهام برای شرکت‌های جدید، از طریق تسهیل شرایط پذیرش شرکت‌ها در بازار سهام توسط سازمان بورس فراهم گردد.
- سازوکارهای نظارتی قوی بر بازار بورس فعال و تقویت شوند تا سفته‌بازی و سوداگری در این بازار کنترل گردد و از متقلبان جرمه‌های مالی سنگین اخذ شود.



- بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار آئین‌نامه و دستورالعمل‌های مورد نیاز برای تأمین مالی مشترک^۱ پروژه‌های بزرگ از طریق بازار سرمایه و شبکه بانکی را از طریق منابع داخلی یا خارجی فراهم کنند.

مبارزه با فساد

- سامانه افشای فساد در سازمان‌ها و نهادهای درگیر با فعالان اقتصادی طراحی شود و قانون حمایت از افشاگران به‌منظور فراهم شدن زمینه افشای فسادها و رشوه‌گیری‌ها در دستگاه‌های دولتی توسط مردم، تدوین شود.
- گمرکات کشور در راستای مقابله با قاچاق تخصصی شوند.
- عملکرد همه بازارچه‌های مرزی و مبادی ورود کالا به‌منظور جلوگیری از قاچاق کالا به‌طورجدی توسط گمرک کنترل شود.

رفع تبعیض بین بخش خصوصی و دولتی و حرکت به سمت فضای رقابتی

- رعایت ماده (۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ جهت جلوگیری از اتخاذ سیاست‌های تبعیض آمیز بین دولت و بخش خصوصی در همه مصوبات دولت و مجلس مد نظر قرار گیرد.
- عملکرد شورای رقابت و راه‌اندازی نهادهای تنظیم‌گر بخشی در بازارهایی که مصداق انحصار هستند، تقویت شود.
- کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف شوند به‌منظور ایجاد ترازوی و عادلانه نمودن قراردادها برای بخش‌های خصوصی و تعاونی، در انعقاد قرارداد با شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی برای خرید کالا یا خدمت، از فرم‌های یکنواخت استفاده کنند.

انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بلندمدت با کشورهای مهم بویژه چین

- رابطه اقتصادی بلندمدت بر اساس مصالح توسعه‌ای کشور، مثبت تلقی می‌شود. چین در حال تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی دنیا است و از دیدگاه ژئواکونومیک، همکاری با چین برای موفقیت ایران در اوراسیا ضروری است. نکته‌ای که دولت آینده باید به آن توجه داشته باشد آن است که در عقد تفاهم‌نامه، توجه به سایر مناطق و فرصت‌هایی که برای کشور می‌تواند گشایشی به همراه داشته باشد نظیر هند و اتحادیه اروپا نیز لازم است.
- از متخصصان مجرب در حوزه مهندسی مالی، امور حقوقی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی در انعقاد هر نوع قرارداد و تفاهم‌نامه با کشورها استفاده حداکثری شود تا با اتخاذ رویکرد فعالانه، تعامل برد-برد با چین و سایر کشورها فراهم شود.

^۱ Cofinance

منابع

منابع فارسی

۱. بانک مرکزی، (۱۳۹۹)، "بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی"، حساب‌های ملی بر اساس سال پایه ۱۳۹۰
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو؛ نگاهی به وضعیت بارش در استان‌های کشور از ابتدای سال آبی جاری، ۱۴۰۰/۰۲/۰۷
۳. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹)، "تحلیل بخش حقیقی اقتصاد ایران ۱۴ (عملکرد ۶ ماهه اول و برآورد رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹)"
۴. دفتر مطالعات اقتصاد بخش عمومی (گروه بودجه) و دفتر مطالعات اقتصادی (گروه کلان)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۶)، "پول پاشی در اقتصاد: مبانی و آثار"
۵. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵)، "الزامات دستیابی به رشد هشت درصد (مروری بر تجربه سیزده کشور)"
۶. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶)، "چرا فقط برخی کشورها موفق به رشد تولید و فرار از فقر می‌شوند؟ (با تأکید بر تجربه چین)"
۷. سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۹)، "برنامه مشارکت عمومی و خصوصی دولت در سال ۱۴۰۰"
۸. سر زعیب، علی، (۱۴۰۰)، "بایدها و نبایدها در مطالبات اقتصادی در انتخابات ریاست جمهوری"، معاونت پژوهشی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
۹. شاکری، عباس، (۱۳۹۵)، "مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران"، انتشارات رافع، چاپ اول
۱۰. شاکری، عباس (۱۳۹۹)، "موانع پیش روی رشد از منظر عدم تعمیق ارزش افزوده بخش‌ها"، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران
۱۱. شریعتی نیا، محسن، (۱۳۹۹)، "محیط ژئواکونومیک ایران چند پرسش درباره تحولات چشم‌انداز"، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، دی ماه ۱۳۹۹
۱۲. صمدیان، فرزانه و سلطانی‌نژاد، الهه، (۱۳۹۹)، "بایسته‌های راهبردی تدوین برنامه هفتم توسعه (با نگاهی به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی و شرایط ویژه اقتصاد کشور)"، مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران
۱۳. مرکز آمار ایران، (۱۳۹۷)، بانک سری زمانی مرکز آمار
۱۴. مرکز آمار ایران، (۱۳۹۹)، حساب‌های ملی فصلی ۱۳۹۰ تا نه‌ماهه ۱۳۹۹ بر اساس سال پایه ۱۳۹۰
۱۵. مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی و پایش اصل ۴۴ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، (۱۳۹۹)، "پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران تابستان ۱۳۹۹"

۱۶. مروی، اردیبهشت (۱۴۰۰)، "بسته نجات اقتصاد ایران (چکیده مبسوط)"، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و اندیشکده کسب‌وکار شریف
۱۷. معاونت اقتصادی و هماهنگی برنامه‌بودجه سازمان برنامه‌بودجه کشور، (۱۳۹۷)، "گزارش بازار کار (شاخص‌های کلیدی بازار کار در ایران)"
۱۸. مؤمنی، فرشاد، (۱۳۸۶)، "اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری"، انتشارات نقش و نگار
۱۹. میدری، احمد، (۱۳۸۶)، "خصوصی‌سازی یا رشد طبیعی بخش خصوصی"، فصلنامه جامعه و اقتصاد، سال سوم، شماره سیزدهم و چهاردهم
۲۰. وزارت امور اقتصادی و دارایی، (۱۴۰۰)، "آخرین وضعیت اقتصادی کشور و شاخص‌های عملکردی وزارت امور اقتصادی و دارایی"

منابع لاتین

1. APO PRODUCTIVITY DATABOOK 2020
2. <https://data.worldbank.org/>
3. <https://www.transparency.org>
4. Human Development Index, 2019
5. WORLD BANK GROUP, Middle East and North Africa Region, 2020, "IRAN ECONOMIC MONITOR (Weathering the Triple-Shock)"

